

## نام کتاب : سجاده عشق در فضیلت نماز شب

نویسنده : محمد مهدی علیقلی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تاییبی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

## تقدیم به محضر مقدس :

شیر زن کربلا دختر امیر المومنین علیه السلام حضرت زینب کبری علیها السلام که حتی  
نماز شب را در هنگام اسیری به جا آورد.

رها کن این تن خاکی رها کن      دلت را با حقیقت آشنا کن  
وضوئی گیر و بر سجاده عشق      خدا را با دلی روشن صدا کن

محمد کریم جوهری

من مولانا امیر المومنین علی علیه السلام فی المناجات :

الهی کفی بی عزا ان اکون لک عبدا و کفی بی فخر ان تکون لی ربا انت کما  
احب فاجعلنی کما تحب

خداوندا مرا این عزت بس که بنده تو باشم. و این افتخار بس که پروردگارم  
تو باشی. الهی تو آن چنانی که من دوست دارم پس مرا آنچنان قرار ده که تو  
دوست داری.

## نماز شب در کلام مقام معظم رهبری

نماز شب بخوانید و آن هم نماز شب با توجه ؛ نماز شبی که می فهمید چه می کنید، نه نمازی که در آن توجه نباشد. نماز شب باید با توجه و عنایت باشد اثر نماز شب در شما که جوان هستید، بسیار زیادتر از نماز شبی است که من می خوانم.

این اثرات را حفظ کنید و چیزهایی که برای هدف و تکاملتان لازم است، فرا بگیرید و ایام را از دست ندهید که این ایام و این فرصت ها، قابل بازگشت نیست. <sup>(1)</sup>

## مقدمه حضرت آیه الله جعفر سبحانی دام عزه

بسم الله الرحمن الرحيم

نیایش در دل شب

روح روان انسان در قلمرو زندگی گرفتار هوا و هوس ها می گردد، غوغای زندگی در روز، مجال توجه عمیق به سرچشمه هستی را نمی دهد، ولی در دل شب، آنگاه که همه دیدگان در خواب شیرین فرو می روند و سکوت مرموزی محیط زندگی را فرا می گیرد، فرصت آن می رسد که انسان بستر گرم را ترک کرده، و پیوند معنوی خود را با مبدا وجود محکمتر و استوارتر سازد و زنگار روزانه زندگی را از روح روان با اشک دیده پاک نماید و هوا و هوسها را با ژرف نگری در زندگی کوتاه به امیدهایی در سرای دیگر تبدیل نمایند.

روح انسان بسان برکه ای است که در برابر آفتاب سوزان به تدریج تبخیر شده و به سرزمین خشک مبدل می گردد، و یا بر اثر واماندگی از آب تازه دچار آلودگی می شود ولی اگر این برکه با رودهای در حال جریان، و یا دریاچه و دریایی در ارتباط باشد نه هستی او پایان می پذیرد و نه دچار آلودگی می گردد.

انسان هر چه لبریز از قداست و معنویت باشد، سرانجام از نظر سرمایه محدود است. فشار روزگار و خواسته های نفس، مایه کاهش سرمایه ها می گردد ولی اگر با داشتن چنین سرمایه ای، پیوسته با مبدا فیض آن هم در دل شب در ارتباط باشد، سرمایه معنوی کاهش نیافته بلکه افزایش می یابد.

از این جهت پیامبر گرامی اسلام ﷺ یکتا شاگرد مکتب خود امیرالمؤمنان علیه السلام را به نماز شب سفارش می کند و می فرماید: «علیک بصلاة اللیل<sup>(2)</sup>» بر تو باد به نماز شب و در حدیث دیگر می فرماید:

کرامت و عزت مومن در دو چیز است نیایش در دل شب و خودداری از  
عرض و ناموس مردم<sup>(3)</sup>

پیشوایان معصوم علیه السلام یاد آور می شوند که نماز شب پاک کننده  
آلودگیهای روز است.<sup>(4)</sup>

کتاب حاضر که به خوانندگان شوریده دلی که به پرورش روح و روان در  
سایه تهجد در دلیل و نیایش در شب، علاقمندند، تقدیم می شود شما را با  
برنامه های نیمه شب مردان خدا و آثار سازنده آن آشنا می سازد و با خواندن  
این دفتر به نام «سجاده عشق» روشن می شود که چرا نیایش ؛ در دل شب  
سنت پیامبران و داءب صالحان بوده است.<sup>(5)</sup>

این اثر دینی و اخلاقی را به مولف گرامی آن، آقای محمد مهدی علیقلی  
تبریک گفته و علاقه مندان به تهذیب نفس و پرورش روح را به مطالعه این  
کتاب سفارش می کنیم و گفتار خود را با آیه مبارکه : ان ناشئه اللیل هی اشد  
وطاء و اقوم قیلا<sup>(6)</sup> به پایان می رسانیم.

والسلام

قم - موسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام

جعفر سبحانی

74/12/21

برابر با بیستم شوال 1416

با تشکر از استاد بزرگوار آیت الله جعفر سبحانی که مقدمه ای بر این کتاب  
مرقوم فرموده اند.

مؤلف

## مقدمه

عبادت و راز و نیاز با معبود، آن هم در دل شب، برای «اهل دل» لذتی فوق العاده و غیر قابل وصف دارد!

آنان که توفیق شب زنده داری نصیبشان گشته و قطره ای از محبت پروردگار بر مشام جانیشان رسیده است تمام دنیا و آنچه در آن است، در نظرشان حقیر است.

سیدالسادین امام زین العابدین در مناجات با حضرت حق، عرضه می دارد: «ای معبود من! کیست که شیرینی محبتت را چشیده باشد و آنگاه از تو رویگردان گشته و دیگری را به جای تو مقصد و محبوب خود قرار دهد؟ و کیست که با قرب تو مانوس گشته باشد و آنگاه آرزوی دل به دیگری بستن و به غیر تو پیوستن را به سر ضمیر خویشتن راه دهد»<sup>(7)</sup>

آری هنگام «شب» برای خلوت با «محبوب» و راز دل گفتن با «معبود» و قرار دادن جان در رهگذر نفحات الهی است و تقرب یافتن به پروردگار و عرض نیاز عاشقانه به درگاه خدا بهترین فرصت است.

رمز موفقیت همه انبیا و اولیا و صلحا و علما مناجات در دل شب بوده است، اکثر عنایات ربانی بر انبیا عظام در سحرگاهان روی داده است.

پیامبر اکرم ﷺ در دل شب مبعوث گردید و در دل شب به معراج رفت. حضرت موسی عليه السلام در چهل شب، در وادی طور به لقا پروردگار نایل شد.

آری عاشقان حضرت حق، پیوسته انتظار می کشند که وقت شب فرا رسد و پرده ظلمت شب بین آنان و دیگران حائل گردد تا خلوتخانه انس با حضرت معبود تشکیل دهند.

اینک که به فضل الهی و به برکت انقلاب اسلامی ایران، نسل جوان در جامعه اسلامی ما به خودسازی و ارتقا در مسیر «تقرب به خدا» روی آورده و تشنگان معارف «قرآن» و «عترت» بسیار دیده می شوند. لذا کتاب حاضر که مجموعه ای از «آیات» و «روایات» در فضیلت احکام و آداب نماز شب به همراه چهل داستان از سیره معصومین علیهم السلام و علما و بزرگان دین (ره) است به منظور تذکر و تشویق بیشتر «نسل جوان خداجو» تهیه و تدوین شده است بدان امید که به لطف پروردگار و دعای امام زمان (عج) اثری در دلها بگذارد و مقبول درگاه خداوند بزرگ و اولیا کرامش واقع شود.

بارالها، به حق محمد و آل محمد علیهم السلام خاصه حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان (عج) توفیق مناجات و خلوت با خودت را نصیب ما بگردان. آمین یا رب العالمین

محمد مهدی علیقلی



## بخش اول : در فضیلت، احکام و آداب نماز شب

### فصل اول : نماز شب از دیدگاه قرآن

#### 1- و من الليل فتهجد به نافلة لك عسى ان يبعثك ربك مقاما محمودا<sup>(8)</sup>

در هنگام شب برخیز و نماز بخوان و قرآن قرائت کن باشد که پروردگارت به تو مقام محمود و ستودگی عطا فرماید.

مفسرین در تفسیر مقام محمود می گویند: این مقام شفاعت است و عده ای دیگر گفته اند این مقام مقامی است که در بهشت به تو داده خواهد شد.

#### 2- امن هو قانت انا اللیل ساجدا و قائما یحذرا لآخره و یرجوا رحمة ربه<sup>(9)</sup>

آیا انسان ناسپاس بهتر است یا کسانی که در دل شب سجده می کند و خدای را سپس می گوید، و قنوت خوان است و او از وحشت عذاب آخرت به امید رحمت خداوند بر پا می ایستد و نماز می خواند.

#### 3- کانو قلیلا من اللیل ما یهجعون و بالاسحارهم یتستغفرون<sup>(10)</sup>

آن پرهیزگاران که بی گمان در بهشت مکان داده شده اند آنهایی هستند که شبها کم می خوابند و سحرگاهان به استغفار و طلب آمرزش می پردازند. این عابدان شب زنده دار شب را کم می خوابند و به عبادت مشغول می شوند، اما به عبادت خود مغرور نیستند و در هنگام سحر از خداوند طلب آمرزش می کنند.

#### 4- تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفا و طمعا و مما رزقناهم

ینفقون<sup>(11)</sup>

آنها پهلوهای خود را از بستر گرم بر می گیرند، و از خوابگاه خوش دوری می گزینند و خالق و رب خویش را می خوانند و از ترس گناهان خویش به رحمت او چشم می دوزند و از آن چیزی که خدا قسمت کرده و روزیشان نموده است انفاق می کنند.

## 5- ان ناشئة الليل هي اشد وطأ و اقوم قیلا (12)

خواندن آیات و نماز و راز و نیاز کردن با خداوند و هم صحبت شدن با او در دل شب استوارتر و بهتر است.

## 6- و من الليل فاسجد له و سبحه لیلا طویلا (13)

و در پاسی از شب او را سجده و او را شب های دراز به پاکی ستایش نما.

## 7- و اذکر اسم ربک بکرة و اصیلا (14)

نام خدا و رب و پروردگارت را هر بامدادان و هر شامگاهان یاد کن.

## 8- الصابرين و الصادقين و القانتين و المنفقين و المستغفرين بالاسحار (15)

این بندگان، صابر و شکييا در بلايا و سختی ها، راست گفتار و فرمانبر در هر حال و انفاق کنندگان از اموال و آمرزش خواهان در سحرگاهان.

پس بندگان واقعی خداوند هم صابرند و هم صادق هم فرمانبر از امر خداوند و هم انفاق کننده و هم استغفار کننده در سحرگاهان و ما می دانیم در نماز شب و در نماز وتر مستحب است هفتاد بار استغفار شود.

## 9- لیسوا سواء من اهل الكتاب امة قائمة يتلون آيات الله اناء الليل و هم

یسجدون (16)

اهل کتاب همه یکسان نیستند، بلکه عده ای از آنها هستند که قیام به حق و ایمان می کنند و پیوسته در اوقات شب آیات خداوند را تلاوت می نمایند در حالی که سجده می نمایند.

## 10- والذین یبیتون لربهم سجدا و قیاما (17)

و آنان که برای رضای پروردگار خویش شب ها یا در حال سجده هستند و یا اینکه ایستاده اند آنها شب را تا به صبح بیدارند و خدایشان را عبادت می کنند.

## 11- قم الليل الا قليلا نصفه او انقص منه قليلا (18)

بر خیز شب (برای عبادت و نماز) مگر اندکی (که در این اندک فقط بخواب) نیمی از آن را یا کم کن از آن اندکی.

## 12- «والشفع و الوتر (19)»

سوگند به شفع و سوگند به وتر.

کلمات شفع و وتر را معانی مختلفی کرده اند که از جمله معانی، شفع اشاره به نماز دو رکعتی و وتر نماز یک رکعتی در این فریضه الهی است.

## فصل دوم : نماز شب در احادیث معصومین علیهم السلام

### الف : اهمیت نماز شب

#### 1- محبوبترین چیزها در نظر پیامبر صلی الله علیه و آله

عن النبي صلی الله علیه و آله قال : الركعتان في جوف الليل اءحب الي من الدنيا و ما فيها (20)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دو رکعت نماز در شب پیش من از دنیا و آنچه در آن است محبوبتر است.

#### 2- سفارش جبرئیل علیه السلام :

عن النبي صلی الله علیه و آله قال : ما زال جبرئیل یوصینی بقیام الليل حتی ظنت ان خیار امتی لن یناموا من الليل الا قليلا. و قال : اشراف امتی حمله القرآن و اصحاب الليل (21)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود همیشه جبرئیل مرا به خواندن «نماز شب» سفارش می کرد. تا آنجا که گمان کردم خوبان امتم شب را مگر اندکی نمی خوابند. و نیز فرمود: شریفترین امت من اهل قرآن و شب زنده دارند.

#### 3- زینت آخرت :

عن الامام الصادق عليه السلام قال : ان الله عزوجل قال : المال و البنون الحياة و ان الثمانى ركعات يصلها العبد آخر الليل زينة الاخرة <sup>(22)</sup>

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند متعال فرمود: ثروت و فرزندان زینت دنیا است ولی هشت رکعت نمازی که آدمی در آخر شب می خواند زینت آخرت است.

#### 4- شرف مومن

عن الامام الصادق عليه السلام قال : شرف المومن صلوته بالليل و عزه كف الاذى عن الناس. <sup>(23)</sup>

امام صادق عليه السلام فرمود: شرف مومن، نماز شب اوست و عزت او خوداری از آزار مردم.

#### 5- چراغ قبر

عن النبي صلى الله عليه وآله قال : صلوة الليل سراج لصاحبها فى ظلمة القبر <sup>(24)</sup>  
پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: نماز شب برای صاحبش چراغی می شود در تاریکی قبر.

#### 6- لقا پروردگار

عن الامام حسن عسکرى عليه السلام قال : ان الوصول الى الله عزوجل سفر لا يدرك الا بامتطى الليل. <sup>(25)</sup>

امام حسن عسکری عليه السلام فرمود: رسیدن به قرب و لقا پروردگار عزوجل سفری است که جز با مرکب «تهجد شب» پیمودن راه به مقصد ممکن نیست.

#### 7- نور مومن در قیامت

عن النبي صلى الله عليه وآله قال : سبب النور فى القيامة، الصلوة فى جوف الليل. <sup>(26)</sup>  
پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: نور مومن در روز قیامت، نماز در دل شب می باشد.

## 8- مباحات فرشتگان

عن النبي ﷺ قال : اذا قام العبد من لذيذ مضجعه و النعاس في عينيه ليرضى ربه - جل و عز - بصلوة ليله باهى الله به ملائكته، فقال : اما ترون عبدى هذا، قدم قام من لذيذ مضجعه الى صلاه لم افرضها عليه، اشهدوا انى قد غفرت له (27)

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هنگامی که بنده از خوابگاه لذت بخش خود برای اقامه نماز شب به خاطر جلب خشنودی خدایش برخیزد در حالی که بقایای خواب در چشمانش می باشد، خداوند بر فرشتگان مباحثت میکند و درباره او می فرماید: آیا نمی نگرید این بنده ام را که از خواب شیرین خود دست برداشته و به نمازی که بر او واجب نکرده ام برخاسته است؟! گواه باشید که من او را آمرزیدم.

## 9- بیدار کردن دیگران

عن النبي ﷺ قال : رحم الله رجلا قام من الليل فصلى و ايقظ امرأته فصلت فان اءبت نضح في وجهها الماء. رحم الله. امرأة قامت من الليل فصلت و اءيقظت زوجها فان ابى نضحت في وجهه الماء. (28)

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: خدا رحمت کند مردی را که شب از خواب برخیزد و نماز شب بخواند و همسرش را نیز بر این عمل تشویق نماید و اگر بیدار نشد (با اجازه قبلی او) به صورت وی آب پاشد و او را بیدار کند و خدا بیامرزد زنی را که در شب برخیزد و نماز شب بخواند و شوهرش را نیز بدین عمل وادار کند و اگر از جای برخواست (باذن قبلی او) آب به صورتش پاشد تا او را بیدار کند.

## 10- خوابیدن به نیت نماز شب

عن النبي ﷺ قال : ما من عبد يحدث نفسه بقيام ساعة من الليل فينام عنها الا كان نومه صدقة تصدق الله بها عليه و كتب له اجر ما نوى <sup>(29)</sup> پیامبر اکرم ﷺ فرمود: کسی که به نیت بیدار شدن برای نماز شب بخوابد خواب او نوعی صدقه بشمار می آید و خداوند متعال برای او پاداش نماز شب را مقرر می دارد.

#### 11- غرفه های بهشتی

عن النبي ﷺ قال : ان في الجنة غرفا يرى ظاهرها من باطنها من ظاهرها يسكنها من امتي من اطاب الكلام و اطعام و اءفشى السلام و اءدام الصيام و صلى بالليل و الناس نيام <sup>(30)</sup>

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: در بهشت غرفه هایی است که داخل آن از بیرون پیدا است و نیز بیرون آن از درون نمایان است و در آن افرادی از امت من اسکان می یابند که سخن شایسته بر زبان می آورند، و به اطعام طعام می پردازند، و بر دیگران آشکارا اسلام می کنند، همیشه روزه دارند و در شب هنگام، آنگاه که همگان بخوابند به نماز شب برمی خیزند.

#### 12- پاداشی که در قرآن به چشم نمی خورد:

عن الامام صادق عليه السلام قال : ما من عمل حسن يعمله العبد الا و له ثواب في القران الا صلاة الليل، فان الله لم يبين ثوابها لعظم خطرها عنده فقال : تتجافى جنوبهم عن المضاجع... فلا تعلم نفس ما اخفى لهم من قره اءعين جزاء بما كانوا يعملون. <sup>(31) (32)</sup>

امام صادق عليه السلام فرمود: پاداش همه اعمال نیک در قرآن آمده است. جز نماز شب و ثواب نماز شب را خدا به جهت عظمت آن بیان نکرده، و تنها در مدح اهل نماز شب فرمود: «آنان در نیمه های شب از خوابگاه خود بر می خیزند...»

پس هیچ کس نمی داند چه نوع پاداش ارزشمندی برای او بجهت این کردارهای نیکی که انجام داده، در نظر گرفته شده است. (33)

ب: آثار و فواید نماز شب

1- زیبایی سیما: سئل علی بن حسین علیه السلام: ما بال المتجهدين باللیل من اءحسن الناس وجها؟

قال: لانهم خلوا بالله فكساهم الله من نوره (34)

از امام سجاد علیه السلام پرسیدند: چرا صورت اهل نماز شب از طراوت و زیبایی ویژه ای برخوردار است؟

امام علیه السلام پاسخ داد: زیرا آنها با خدای خود خلوت کرده اند و خدا هم آنان را با نور خود مزین ساخته است.

2- نشاط روحی :

عن النبی صلی الله علیه و آله: قال یا علی ثلاث فرحات للمومن: لقاء الاخوان، الافطار من الصیام، والتهجد من آخر اللیل (35)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمومنین علیه السلام فرمود: سه چیز مایه انبساط خاطر و باعث شادی مومن است: 1- دیدار دوستان، 2- افطار کردن روزه، 3- عبادت و شب زنده داری در پایان شب.

3- سرگرمی سالم :

قال الباقر علیه السلام: لهو المومن فی ثلاثه اءشیا: التمتع بالنساء و مفاکهة الاخوان و الصلاة باللیل. (36)

امام باقر علیه السلام فرمود: بازی و سرگرمی مومن در سه چیز است: 1- کامجویی از همسر، 2- شیرین کاری در جلسه دوستان، 3- خواندن نماز شب.

4- آموزش :

عن الصادق عليه السلام قال : صلاة المومن بالليل تذهب بما عمل من ذنب بالنهار.  
(37)

امام صادق عليه السلام فرمود: نماز شب گناهان انسان را از بین می برد.

5- سلامتی و عافیت بدن :

و فی الحدیث : الصوم والسفر و صلاة اللیل و امرار الید فی موضع السجود و المسح بها الوجه و ما نالته من البدن و البدئة بخنصر الید الیسری فی تقلیم الاظفار والختم بخنصر الیمنی. (38) در حدیث آمده است : روزه و مسافرت، و نماز شب، و دست کشیدن بر پیشانی و مسح صورت، و کوتاه کردن ناخن از انگشت کوچک دست چپ و ختم آن به انگشت کوچک دست راست از عوامل تندرستی به حساب می آیند.

6- افزایش رزق و روزی :

لا تدع قیام اللیل، فان المغبون من حرم قیام اللیل. ان الرجل لیکذب الکذبة فیحرم بها صلاة اللیل، فاذا حرم صلاة اللیل حرم بها الرزق.

لیس منا من لم یصل صلاة اللیل (39)

امام صادق عليه السلام فرمود: از نماز شب دست بردار زیرا کسی که از نماز شب باز ماند زیانکار است، و بسا انسان در زندگی مبتلا به دروغ گفتن می شود و از خواندن نماز شب محروم می ماند و از رزق و روزی حلال او کاسته می شود.

و نیز امام عليه السلام : از ما نیست آنکه اهل نماز شب نباشد.

7- خشنودی خدا:

عن النبی صلی الله علیه و آله قال : ثلاثة یضحک الله الیهم : الرجل اذا قام باللیل یصلی، والقوم اذا صفوا فی الصلاة و القوم اذا صفوا فی قتال العدو (40)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سه گروهند که خداوند از آنان خوشنود است :



1- کسی که نماز شب می خواند 2- جمعی که نماز جماعت تشکیل می دهند، 3- دسته ای که در برابر دشمن، در راه خدا صف آرایی کرده اند.

8- رفع کسالت ها:

عن الصادق عليه السلام قال : عليكم بصلاة الليل، فانها سنة نبيكم و داء الصالحين قبلكم و مطردة الداء عن اجسادكم<sup>(41)</sup>

امام صادق عليه السلام فرمود: بر شما باد به خواندن «نماز شب» زیرا این عمل، سنت پیامبر شما و سیره صالحان و راستان است و بدن شما را از کسالت دور می سازد.

9- پرداخت قرض ها:

عن الصادق عليه السلام قال : صلاة الليل تحسن الوجه و تحسن الخلق و تطيب الريح و تدر الرزق، و تقضى الدين، و تذهب بالهم، و تجلو البصر<sup>(42)</sup>

امام صادق عليه السلام فرمود: نماز شب باعث زیبایی سیما، و نیکویی اخلاق و خوشبویی بدن و فراوانی رزق و مایه ادای «قرضها» و موجب از بین رفتن غم و باعث تقویت نور چشم است.

10- نورانیت منزل :

عن الصادق عليه السلام قال : ان البيوت التي يصلی فيها بالليل بتلاوة القرآن تضى لاهل السما كما تضى نجوم السماء لاهل الارض<sup>(43)</sup>

امام صادق عليه السلام فرمود: خانه ای که در آن نماز شب خوانده می شود و تلاوت قرآن می گردد در نظر اهل آسمان نورانی است. چنانکه اهل زمین، نورانیت ستارگان را می بینند.

11- نورانیت دل :

عن النبي ﷺ قال : يا علي خمسة تنور القلب : كثرة قراءة قل هو الله اءحد،  
 و قلة الكلام، و مجالسة العلماء، و الصلاة في الليل : و المشى الى المساجد (44)  
 پیامبر اکرم (صلی الله علیه آله) فرمود: یا علی پنج چیز دل را نورانی می کند:  
 1- کثرت تلاوت سوره قل هو الله احد، 2- کم گویی، 3- مجالست با علما، 4-  
 نماز شب، 5- گام نهادن در راه مسجد.

12- خشنودی در قیامت :

عن الصادق ؑ قال : كل عين باكية يوم القيامة الا ثلاثة : عين غضت عن  
 محارم الله و عين سهرت في طاعة الله و عين بكت في جوف الليل من خشية الله  
 (45)

امام صادق ؑ فرمود: در قیامت همه چشمها گریان است مگر سه چشم :  
 1- چشمی که از (دیدن و نظر به) آنچه خداوند حرام کرده بر هم نهاده شده.  
 2- چشمی که در راه طاعت خداوند بیداری کشیده، 3- چشمی که در دل شب  
 از ترس خدا گریسته است.

ج : فواید دیگر نماز شب

دوستی خدا

يابن عمران، كذب من زعم انه يحبني فاذا جنه الليل نام عنى ؛ اليس كل  
 محب يحب خلوة حبيبه؟ ها اناذا يا ابن عمران مطلع على احبائي اذا جنهم الليل  
 حولت ابصارهم في قلوبهم و مثلت عقوبتي بين اعينهم يخاطبوني عن المشاهدة و  
 يكموني عن الحضور

يابن عمران هب لي من قبلك الخشوع و من بدنك الخضوع و من عينيك  
 الدموع في ظلم الليل و ادعني فانك تجدني قريبا مجيبا (46)

ای پسر عمران، دروغ می گوید آن کسی که گمان می کند مرا دوست دارد در حالی که چون شب فرا می رسد از من چشم می پوشد و به خواب می رود! آیا نه مگر چنین است که هر عاشقی خلوت با معشوقش را دوست می دارد؟

هان ای پسر عمران، این منم که بر دوستانم مطلعم ؛ چون شب آنان را فرا گیرد و چشم دلشان را دگرگون می سازم (که جز من چیزی نمی بینند) و عقوبتم را در مقابل دیدگانشان مجسم می کنم (بدان گونه که) از راه شهود و رویارویی با من به مخاطبه می پردازند و حضورا با من به گفتگو می نشینند.

ای پسر عمران، در دل شبهای تار از دلت خشوع و از تنّت خضوع و از چشمانت قطرات اشک نثار من بنما و مرا بخوان که مرا به خود نزدیک و اجابت کننده دعوت خواهی یافت.

سحر نزدیکترین ساعات انسان به خدا

عن ابن ابی یعفر، عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قلت له : اخبرني، جعلت فداك اي ساعة يكون العبد اقرب الى الله و الله منه قريب؟ قال : اذا قام في آخر الليل و العيون هادئة فيمشی الى وضوئه حتى يتوضأ باسبع وضوء ثم يجبيء حتى يقوم في مسجده فيوجه وجهه الى الله و يصف قدميه و يرفع صوته و يكبر و افتتح الصلوة فقراء اجزا و صلى ركعتين و قام ليعيد صلوته ناداه مناد من عنان السماء عن يمين العرش :

ايها العبد المنادي ربه، ان البر لينشر على راءسك من عنان السماء و الملائكة محيطه بك من لدن قدميك الى عنان السماء والله ينادي : عبيد لو تعلم من تناجي اذا ما انفتلت.

قال : قلت جعلت فداك يابن رسول الله ما الانفتال؟

قال : تقول بوجهك و جسدك لهكذا، ثم ولي وجهه فذلك الانفتال

ابن ابی یعفر (راوی حدیث) می گوید به حضور امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرضه داشتیم قربانت شوم بفرمائید آن ساعتی که نزدیکترین ساعات انسان است به خدا و خدا به او نزدیک است کدام ساعت است؟ فرمود:

چون آخر شب برخیزد در حالی که چشمها در خوابند، وضویی شاداب گرفته و در عبادتگاه خود بایستد و با توجه قلبی به خدا تکبیر نماز گفته و با تلاوت فرازهایی از قرآن دو رکعت نماز به جای آورده و آنگاه برخیزد برای ادامه نماز، در این هنگام از سوی آسمان از جانب عرش، این ندا برخیزد: ای بنده خدا خوان، الان، احسان و خیر از جانب عالم ملکوت بر سرت در حال فروریختن است، فرشتگان از کنار قدمهایت تا عنان آسمان اطرافت را گرفته اند و خدای مهربان ندا می کند:

ای بنده من اگر بدانی با که در حال گفتگو و راز نیازی، انفتال از خود نشان می دهی.

راوی می گوید: عرض کردم ای فرزند پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فدایت شوم مقصود از (انفتال) چیست؟

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در حالی که صورت خود را به سمت پشت سر می چرخانید، فرمود: انفتال این است که صورت و بدنت را برگردانی. <sup>(47)</sup>

(محتمل است کنایه از انصراف دل و توجه به غیر خدا باشد)

ظلمت شب برای عاشقان نور آفرین است.

عن المفضل بن عمر، عن الصادق جعفر بن محمد، عن ابیه، عن ابائه علیهم السلام قال: قال رسول الله: ان الله جل جلاله، اوحى الى الدنيا ان اتعبي من خدمك و اخدمی من رفضك، و ان العبد اذا تخلص بسیده فی جوف اللیل المظلم و ناجاه، اثبت الله النور فی قلبه فاذا قال یا رب، ناداه الجلیل جل جلاله لیبیک

عبدی سلنی اعطک و توکل علی اکفک ثم یقول جل جلاله لملائکتہ : ملائکتی انظروا الی عبدی فقد تخلی فی جوف هذا اللیل المظلم و البطالون لاهون والغافلون نیام اشهدوا انی قد غفرت له

مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام و آن بزرگوار از پدرش، از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند جل جلاله به دنیا وحی کرد: هر کس در خدمت تو باشد، تو را به رنج و تعب بیانداز و هر کس که تو را رها کند، تو در خدمت او باش و هرگاه بنده در دل شب تار، با مولای خود خلوت کند و با او به راز نیاز پردازد، خداوند نور را در دل او جایگزین فرماید.

و چون بگوید ای رب و ای رب من، خداوند جلیل جل جلاله صدایش کرده و گوید لبیک (بله بله) ای بنده من، بخواه از من تا عطایت کنم به من توکل نمای تا کفایتت کنم، سپس خداوند جل جلاله به فرشتگانش می فرماید: ای فرشتگان من، بنده ام را بنگرید، در دل این شب تیره با من خلوت کرده است در حالی که بطالت پیشگان به لهو و لعب مشغولند و غفلت زدگان در بستر خواب خفته اند، اینک گواه باشید که من به طور حتم او را آمرزیدم. (48)

خداوند مشتاق کیست

خداوند متعال به یکی از صدیقین وحی نموده که برای من بندگان هستند که مرا دوست می دارند و من هم آنها را دوست می دارم، آنان مشتاق من، و من هم مشتاق آنها هستم، و آنها مرا در یاد دارند و من هم به یاد آنان هستم، آنها به من نظر دارند، و من هم به آنها نظر دارم، پس اگر تو قدم جای قدم آنها بگذاری، تو را هم دوست خواهم داشت و اگر از راه آنها منحرف شوی عقوبتت خواهم نمود.

آن صدیق گفت : معبود من نشانه آنها که مورد توجه تو هستند چیست؟  
 خطاب رسید: آنان روزها همچون چوپان مهربانی که مواظب گوسفندان خود  
 هست به سایه می نگرند و منتظر آمدن شب هستند، و همان گونه که پرندگان  
 هنگام غروب با شور و شوق عازم آشیانه خود می گردند. اینان هم با همین  
 حال به استقبال غروب خورشید می روند، پس آنگاه که شب فرا رسیده، و  
 تاریکی همه جا را فرا گرفت، و فرش ها پهن و همه گرد هم جمع شدند و هر  
 دوستی با دوست خود خلوت نمود اینان در برابر من به پای می ایستند و  
 صورتهای خود را بر خاک می نهند، و با تلاوت آیات قرآن به مناجات و  
 گفتگوی با من برمی خیزند، و نعمتهای مرا سپاس می گویند پس آنان را می  
 بینی که گاه گریه می کنند، و گاه شیون سر می دهند، گاه آه می کشند، و گاه از  
 معاصی و گناهان شکوه می کنند، گاه ایستاده و گاه نشسته، و گاهی در حال  
 رکوع، و گاه در سجده هستند، و آنچه را که به خاطر من تحمل آن می کنند،  
 همه را می بینم، و شکوه هائی که از محبت من بر لب دارند می شنوم.

اول چیزی که به آنها عطا کنم سه چیز است یکی اینکه نور خودم را در  
 دلهای آنها بیفکنم در نتیجه همانگونه که من از آنها آگاهم، آنها نیز از من با خبر  
 خواهند بود، دوم اینکه اگر آسمانها و زمین ها و آنچه را که در این میان هست  
 در میزان آنها ببینم باز آن را کم خواهم دانست سوم رو سوی آنها می کنم، آیا  
 اگر کسی من رو سوی او آورم، احدی می تواند بداند که چه به او عطا خواهم  
 نمود. (49)

ندای حق هنگام سحر

قال رسول الله ﷺ: إذا كان آخر الليل يقول الله سبحانه: هل من داع فاجيبه؟  
 هل من سائل فاعطيه سؤاله؟ هل من مستغفر فاغفر له؟ من تائب فاتوب عليه (50)

رسول خدا ﷺ فرمود: هنگامی که آخر شب فرا می رسد خداوند منزله فرماید: آیا دعا کننده ای هست تا اجابتش کنم؟ آیا درخواست کننده ای هست تا حاجتش را عطا کنم؟ آیا استغفار کننده ای هست تا او را بیامرزم؟ آیا توبه کننده هست تا توبه اش را بپذیرم؟

## 26 خاصیت برای نماز شب

امام صادق علیه السلام می فرماید: نماز شب موجب رضایت پروردگار و محبت ملائکه، و سنت انبیاء و نور معرفت و اصل ایمان، و راحتی بدن، و کراهت و ناخشنودی شیطان، و سلاح علیه دشمنان، و باعث اجابت دعا، و قبولی اعمال، و برکت در زرق، و شفیع بین انسان و ملک الموت، و چراغ گور انسان، و فرش زیر پهلوی انسان در قبر، و جواب منکر و نکیر، و مونس و زائر انسان در قبر تا روز قیامت است، و چون روز قیامت شود، سایه ای بر بالای سر او، و تاجی بر سر او، و لباسی بر بدن او، و نوری که پیشاپیش او در حرکت است، و پوششی بین او و آتش، و حجتی بین او و بین خداوند متعال، و مایه سنگینی میزان او، و جواز و گذرنامه عبور از صراط، و کلید بهشت است. (51)

## فصل سوم: احکام و آداب نماز شب

- 1- نماز شب مجموعاً یازده رکعت است که ده رکعت آن هر دو رکعت به یک سلام خوانده می شود و یک رکعت به یک سلام
- 2- هشت رکعت از یازده رکعت را باید به نیت نماز شب خواند و دو رکعت آن را به نیت نماز شفع و یک رکعت آن را به نیت نماز وتر.
- 3- فضیلت نمازهای شفع و وتر بیش از هشت رکعتی است که به نیت نماز شب خوانده می شود.

- 4- انسان می تواند فقط به نماز شفع و وتر اکتفا کند و هشت رکعت را نخواند.
- 5- اگر وقت برای اداء نماز شب تنگ باشد می تواند فقط به نماز وتر اکتفا کند.
- 6- وقت نماز شب از اول نیمه وقت شب است تا طلوع صبح صادق.
- 7- افضل آن است که نماز شب به هنگام سحر خوانده شود و هنگام سحر عبارت است از یک سوم آخر شب، و هر قدر به صبح نزدیکتر باشد افضل خواهد بود.
- 8- جایز است انسان نماز شب را نشسته بخواند حتی در حال اختیار ولی اگر می خواهد نشسته بخواند بهتر آن است که هر دو رکعت نشسته را یک رکعت ایستاده حساب کند.
- 9- شخص مسافر می تواند نماز شب را پیش از نیمه شب بخواند.
- 10- جوانی که می ترسد خواب بماند و نماز شب از او فوت شود می تواند نماز شب را پیش از نیمه شب بخواند.
- 11- همه کسانی که برای خواندن نماز شب بعد از نیمه شب عذری دارند مانند سالخوردگی یا کسی که از سرد شدن هوا می ترسد و یا از جنب شدن در خواب بیم دارد و مانند اینها، می تواند نماز شب را قبل از نیمه شب بخواند.
- 12- خواندن سوره در رکعتهای نماز شب لازم نیست و می تواند فقط به خواندن سوره حمد اکتفا کند.
- 13- مستحب است که نماز شب را بلند بخواند تا اگر از خانواده اش کسی می خواهد به نماز شب برخیزد بیدار شود.



14- اگر نماز شب از کسی فوت شد می تواند قضای آن را در روز بجا آورد. (52)

یک تذکر مفید:

قضای نماز شب را، نیز فضیلت بسیار است، چنانکه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که شخصی به آن حضرت عرض کرد: فدایت شوم چه بسا اتفاق می افتد که یک، دو، یا سه ماه نماز شب از من فوت می شود و من آن را به روز قضا می کنم. آیا این کار جایز است؟

فرمودند به خدای قسم این کار مایه روشنی و چشم تو است. و این جمله را سه بار تکرار کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدای تعالی به بنده ای که قضای نماز شب را بجای می آورد مباحات می کند و می فرماید:

ای فرشتگان، این بنده چیزی را که به او واجب نکرده ام قضا می کند. گواه باشید که من او را آمرزیدم.

### کیفیت خواندن نماز شب

نماز شب مجموعاً یازده رکعت است :

1- هشت رکعت آن، که دو رکعت، دو رکعت، مانند نماز صبح خوانده می شود و به نیت نماز شب می باشد.

2- دو رکعت نماز شفع : بهتر است در رکعت اول آن بعد از حمد، سوره (ناس) و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره فلق خوانده شود.

3- یک رکعت نماز وتر: بعد از حمد سه بار سوره توحید و یک بار سوره فلق و یک بار سوره ناس بخوانیم و می توان یک سوره تنها خواند، سپس دست ها را به سوی آسمان بالا می بریم و حاجات خود را از خدا می خواهیم.

و برای چهل مومن دعا می کنیم و طلب مغفرت می کنیم.  
و بعد هفتاد مرتبه می گوییم: استغفرالله ربی و اتوب الیه  
از پروردگار خوب طلب آمرزش و مغفرت می کنم و به سوی او بازگشت  
می نمایم.

آنگاه هفت مرتبه می گوییم: هذا مقام العائذ بک من النار  
این است مقام کسی که از آتش قیامت به تو پناه می برد.  
و بعد از آن سیصد مرتبه می گوییم: «العفو» و سپس می گوییم:  
رب اغفرلی و ارحمنی و تب علی، انک انت التواب الغفور الرحیم

#### علت محرومیت از شب زنده داری

شاید کمتر مسلمانی را یافت که ادعا کند: من آرزوی شب زنده داری و  
مناجات با خدا را ندارم. اگر در طول عمرش، حتی یک شب هم، این توفیق  
عظیم را نیافته، اما این آرزو هرگز از دلش بیرون نرفته است.

آنهايي که اهل مطالعه و یا شرکت در جلسات مذهبی هستند، همواره خواننده  
و یا شنیده اند که شب زنده داری و راز و نیاز با آفریدگار بی همتا، نشات و  
حلاوتی پایدار دارد. اما بسیاری از آنها نیز این توفیق معنوی را نیافته و یا کمتر  
یافته اند. راستی علت این محرومیت بزرگ در چیست؟

معلم و مفسر اندیشمند قرآن، آیت الله جوادی آملی در این رابطه چنین می  
گویند: «مردی از حضرت امیرالمومنین علیه السلام پرسید:

من از نماز شب محروم شدم. حضرت فرمود:

انت رجل قد قیدتک ذنوبک <sup>(53)</sup> تو کسی هستی که گناهان تو مقیدت نموده

است.»

یعنی، تو آزاد نیستی و در قید و بند گناهی.

توفیق شب زنده داری و با شیروان هم سفر شدن، و با شب آفرین سخن گفتن، نصیب گنه کاران روز نخواهد بود.

کسی که روز پایش در برابر گناه می لرزد، شب طاقت ایستادن در برابر الله و شب زنده داری کردن را ندارد.

کسی که روز چشمانش به گناه آلوده است، شب سعادت اشک ریختن در کنار سجاده را ندارد.

کسی که روز زبانش به تبهکاری باز شد، شب به یاد حق، و به زمزمه حق گویا نخواهد بود.

گوهر پاک بباید که شود قابل فیض ورنه هر سنگ و گلی لولو و مرجان نشود ممکن نیست که سیه دل روز، شب زنده دار سحر باشد.

ممکن نیست که تبهکار روز، پارسای شب باشد. <sup>(54)</sup>»

پس بیاید در همین لحظه، آری همین لحظه، این کتاب را به کناری گذاشته، و دست دعا به سوی آسمان بلند نماییم: پروردگارا! ای غفار الذنوب و ای سریع الرضا!

ما بندگان غفلت زده و اسیر هواهای شیطانی، از نشات شب زنده داری و حلاوت سحر انگیز تلاوت قرآن در نیمه های شب تنها نامی شنیده ایم و بس. ما در آغاز هیچ شبی، شاید در این اندیشه نبوده ایم که مقدماتی را فراهم نماییم تا در نیمه های شب، از بستر خود جدا شده، و دست نیازی بسوی تو دراز کنیم. و به همین خاطر، هرگز آن حلاوت رویایی را نچشیده و آن نشات معنوی را درک نکرده ایم.

ای پروردگار مهربان ما آن حدیث قدسی را شنیده ایم که به موسی بن عمران، خطاب فرمودی که: «ای پسر عمران دروغ می گوید کسی که می

پندارد مرا دوست دارد، و آنگاه که تاریکی شب همه جا را فرا می گیرد، می خوابد و مرا از یاد می برد. آیا هر دوست و دلداده ای در پی خلوت با محبوب خود نیست؟<sup>(55)</sup>»

و حالا سر از خجلت و شرمساری، به زیر انداخته ایم.

ای غافر الخطایا

ای که گفתי مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم آیا می شود و امکان دارد که به ما غفلت زدگان هم نظر عنایتی بنمایی، و ما هم روزی در زمره شب زنده داران، و قاریان شب زنده دار، در آییم؟

پس ای رافع الدرجات! بر ما کرم نما و خود وسیله و سبب آن را عطا فرما، و یک شب، آری حتی یک شب، این حلاوت سحرانگیز را در کام وجودمان بریز، و از آن پس، آن چنان کن که عطش آن حلاوت، سراسر وجودمان را به آتش کشد، و خواب را از چشمانمان بریاید. آمین یا طیب القلوب.<sup>(56)</sup>

توسل به اهل بیت علیهم السلام

برای اینکه سحرخیزان بتوانند از مبدا فیض بیشتر و بهتر بهره بگیرند به دستور حضرت حق باید خاندان رسالت را واسطه قرار دهند که فرموده است. و ابثغوا الیه الوسیلة<sup>(57)</sup>

و از طرفی عبادت عابدان مقبول حضرت باری تعالی نمی گردد مگر با داشتن ولایت و محبت خاندان رسالت که در زیارت «جامعه کبیره» می خوانیم:

بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة

به سبب ولایت و دوستی شما اعمال واجب و مستحب مقبول درگاه احدیت می گردد.

در روایات زیادی که علامه بزرگوار مجلسی رضوان الله در کتاب مستطاب بحارلأنوار نقل فرموده وارد شده است که انبیاء و اولیا در طول تاریخ به بشریت از زمان حضرت آدم عليه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله همواره دست توسل به ذیل عنایت محمد و آل محمد عليهم السلام دراز می کرده اند و آن بزرگوار را واسطه قرار می داده اند.

قال الصادق عليه السلام: اذا اردت ان تقوم الى صلوة اللیل فقل : اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة و اله واقدمهم بین یدی حوائجی، فاجعلنی بهم و جیها فی الدنیا و الاخرة و من المقربین اللهم ارحمنی بهم و لا تعذبنی بهم و اهدنی بهم و لا تضلنی بهم و ارزقنی بهم و لا تحرمنی بهم واقض لی حوائجی للدنیا و الاخرة انک علی کل شیء قدير و بكل شیء علیم (58)

امام صادق عليه السلام فرمودند: هنگامی که خواستی به نماز شب بایستی بگو: بار خدایا من به وسیله پیامبرت که نبی رحمت است و به وساطت خاندان پیامبر، رو به سوی تو می آورم و آنان را پیشاپیش حوائجم مقدم می دارم. خداوندا مرا به حرمت آن پاکان آبرومند دنیا و آخرت، از مقربین درگاهت قرار بده. بار پروردگارا، به عظمت آنان بر من ترحم فرما، و به احترام آنان عذابم مفرما و به سبب آنان هدایتم کن و گمراهم نفرما، و به برکت آنان رزقم داده و محرومم مگردان، و حوائج دنیا و آخرتم را برآور، چه آنکه تو بر هر چیز توانایی و به هر چیز دانا.

الهی به زهرا <small>عليها السلام</small> و باب گرامش	مسوزان به آتش دل داغدارم
به انجیل و تورات و قرآن احمد	گره باز کن امشب از کار و بارم
به ذات علی <small>عليه السلام</small> قبله دین	مکن در بر دشمنان خوار و زارم
به حق حسین <small>عليه السلام</small> شافع روز محشر	ببخشا مرا تاب آتش ندارم

خدایا به حق شهیدان کویت      به نزد پیمبر مکن شرمسارم  
الهی به لعل لب خشک اصغر      نظر بر مدار از دل بیقرارم<sup>(59)</sup>

### نماز شب برای فرج امام زمان (عج)

شایسته است سحرخیزان و شب زنده داران، دعا برای فرج حضرت بقیة الله  
الاعظم (عج) را فراموش نکنند که آن بزرگوار فرمودند:

و اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجکم.<sup>(60)</sup>

برای تعجیل در امر ظهور و فرج ما بسیار دعا کنید که فرج شما در همین  
دعا کردن است.

مولای مهربانی که همیشه به یاد ماست ما نیز وظیفه داریم صاحبمان و جان  
جانانمان را از یاد نبریم.

امام زمان (عج) در پیامی به شیخ مفید رضوان الله می فرماید:

انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم و لولا ذلك لنزل بکم الداء  
واصطلمکم الاعداء فاتقوا الله جل جلاله<sup>(61)</sup>

ما هرگز شما را رها نکرده ایم. و یادتان را از خاطر نبرده ایم و اگر عنایات  
و توجهات ما نبود، مصائب و حوادث زندگی، شما را در بر می گرفت و  
دشمنان، شما را از بین می بردند.

بپرهیزید از آنچه که خداوند ناراضی است و بشتابید برای جلب رضایت او.

سحری با دل سودا زده خلوت کردم	فارغ البال نشستم من و صحبت کردم
تا که خاکستر دل را نبرد باد سحر	اشک را بهر دل سوخته دعوت کردم
سخن دل همه این بود که من خانه خویش	بهر دیدار رخ دوست مرمّت کردم
نه پیامد، نه خبر داد، نه گفتا که بیا	نه نگاهی زکرم هر چه که همت کردم
تا کنم روزنه ای باز به سوی دل دوست	سالها خادمی اهل محبت کردم
هر دری را به امید در او کوییدم	چون ندیدم رخ او خویش ملامت کردم

چکنم با که بگویم غم جانسوزم را  
خواستی فاش کنم راز، حکایت کردم  
هاشمی گفت دلا می رسد آن روز که تو  
نغمه سازی که رخ دوست زیارت کردم<sup>(62)</sup>

## بخش دوم

### فصل اول : چهل داستان در اهمیت نماز شب

#### 1- نماز و شکرگزاری پیامبر ﷺ

عطاء بن ریحان گوید: «روزی نزد عایشه رفتم پرسیدم : شگفت انگیزترین چیزی که در عمرت از پیامبر ﷺ دیدی چه بود؟ او گفت : «کارهای پیامبر ﷺ همه اش شگفت انگیز بود ولی از همه عجیب تر اینکه شبی از شبها که پیامبر در خانه من بوده به استراحت می پرداخت، هنوز آرام نگرفته بود که از جا برخاست و لباس پوشید و وضو گرفت و به نماز ایستاد و آنقدر در حال نماز و در جذبۀ خاص الهی اشک ریخت که لباسش، از اشک چشمش، تر شد. سپس سر به سجده نهاد و چندان گریست که زمین از اشک چشمش، تر شد و همچنان تا طلوع منقلب و گریان بود.

هنگامی که بلال او را به نماز خواند، پیامبر ﷺ را گریان دید عرض کرد، چرا چنین گریانید، شما که مشمول لطف خدا هستید.

فرمود: «افلا اکون عبدا شکورا» آیا نباید بنده شکرگزار خدا باشم.

چرا نگریم خداوند در شبی که گذشت، آیات تکان دهنده ای بر من نازل کرده است و سپس شروع به خواندن آیات کرد<sup>(63)</sup> و در پایان فرمود:

ویل لمن قرئها و لم یتفکر فیها وای به حال کسی که آنها را بخواند و در آنها نیاندیشد.

در روایتی از حضرت علی رضی الله عنه نقل شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه برای نماز شب بر می خواست، نخست مسواک می کرد و سپس نظری به آسمان می افکند و این آیات را زمزمه می نمود. در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز دستور داده



شده، که هر کس برای نماز شب، برمی خیزد، این آیات را تلاوت کند: ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الليل والنهار لآیات لاولی الالباب...<sup>(64)</sup>

## 2- علی علیه السلام و عبادت های نیمه شب

از «حبه عرنی» نقل شده است که «شبی با «نوف بکالی» (که هر دو از اصحاب امیرالمومنین علی علیه السلام بودند) در خواب بودیم؛ ساعات آخر شب بود که از خواب پریدم و چشمم به امام امیرالمومنین علیه السلام افتاد؛ دیدم مانند اشخاص واله و حیران، دست بر دیوار و سر به آسمان، به تلاوت قرآن مشغول است و این آیات را می خواند و تکرار می کند:

ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الليل والنهار لآیات لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار<sup>(65)</sup>

پس از مدتی متوجه من شد و فرمود: اراقد انت یا حبه ام رامق: «ای حبه تو خوابی یا بیدار» گفتم: «بیدارم مولای من؛ اما از کار شما سخت متحیر و سرگردانم؛ می بینم که شما این چنین بی قرار هستی و نا آرام، پس حال ما (گنهکاران) چگونه خواهد بود؟»

این سخن را که امام از من شنید، دیدم پلکهای چشم مبارکش روی هم افتاد و قطرات اشک از دیدگان شریفش به صورتش جاری شد و فرمود:

یا حبه ان الله موقفا و لنا بین یدیه موقفا لا یخفی علیه شیئی من اعمالنا یا حبه ان الله اقرب الی و الیک من حبل الورد. یا حبه انه لا یحجبنی و لا ایاک عن الله شیئی

«ای حبه! مسلم بدان که خدا را موافقی است برای رسیدگی به حساب اعمال بندگان؛ در آن موقف به تمام اعمال ما که چیزی از آن بر خدا مخفی نیست،

رسیدگی خواهد شد. ای حبه، خدا از رگ گردن به من و تو نزدیکتر است و چیزی بین ما و خدا حاجب و پوشش نمی باشد».

یعنی ای حبه، علی علیه السلام چگونه آسوده و آرام بخواهد در حالی که می داند چشم بیدار خدا شاهد اعمال ریز و درشت او می باشد؟

حبه می گوید: در این موقع امام علیه السلام متوجه «نوف» شد و فرمود:

ارقاد انت یا نوف؟:

«ای نوف، آیا تو در خوابی؟»

عرضه داشت :

لا یا امیرالمومنین ما انا براقد و قد اطلت بکائی فی هذه الليلة «نه یا امیرالمومنین بیدارم و بر حال خود گریانم ؛ مرا امشب به گریه بسیار واداشتی».

فرمود:

یا نوف! ان طال بکائک فی هذه الليلة مخافة من الله تعالی قرت عیناک غدابین یدی الله عزوجل.

یا نوف! انه لیس من قطره قطرت من عین رجل من خشية الله الا اطفاءت بحارا من النیران... :

«ای نوف، اگر از ترس خدا امشب گریه کنی فردا در پیشگاه او شاد و خرم خواهی بود!»

ای نوف، هیچ قطره اشکی از چشم کسی از خوف خدا نمی ریزد مگر اینکه دریاهایی از آتش (قهر خدا) را خاموش می سازد!»

آنگاه امام علیه السلام مقداری آنان را موعظه کرد و پند و اندرزشان داد و در پایان سخنان خود فرمود:

فکونو من الله علی حذر فقد اندرتکما

«حال، از خدا بترسید و از عذاب بر حذر باشید که من انذارتان کردم (و از عقبات سنگین پس از مرگ آگاهتان ساختم)»

سپس امام علیه السلام به راه افتاد و هم چنان می رفت و می گفت :

لیت شعری فی غفلاتی امعرض انت عنی ام ناظر الی؟ ولیت شعری فی طول منامی و قلة شکری فی نعمک علی ما حالی

«کاش، می دانستم (ای پروردگار من) که عنایت در اوقات غفلتم آیا تو از من روگردانی یا نظر لطف و عنایت درباره ام داری؟

و کاش، می دانستم در آن ساعات (شب) که به خواب گران فرو رفته ام و موقعی که در برابر نعمتهای تو به شکر و سپاس اندک اکتفا نموده ام چه حالی (و چه موقعیتی در پیشگاه تو) دارم؟!»

حبه گوید: «به خدا قسم، حال علی علیه السلام به همین منوال بود تا سپیده صبح دمید. <sup>(66)</sup>»

### 3- علت گریه حضرت علی علیه السلام

ابودردا روایت کرده که شبی امیر المومنین علیه السلام را دیدم که از مردم کناره گرفته و در مکان خلوتی مشغول مناجات با پروردگار است در حالی که او در محراب عبادت ایستاده بود اشکهایش بر روی صورتش می غلطید مانند مار گزیده به خود می پیچید و مانند مصیبت دیده ها گریه می کرد و می گفت : «آه آه از توشه اندک و سفر طولانی و انیس و همنشین کم آه از آتشی که جگرها را بریان کند و پوست بدن را برکند، آه از آتشی که خرمن گستراند.» ناگاه دیدم صدا خاموش شد و گفتم حتما حضرت را خواب دیدم برده است رفتم تا آن حضرت را بیدار کنم چون ایشان را حرکت دادم دیدم همچون چوب خشک شده است، گفتم بلکه امام از دنیا رفته است و به خانه آن حضرت رفتم و فاطمه

علیه السلام را از این امر آگاه ساختم، ایشان فرمودند: این حالتی است که از ترس خدا هر شب بر او عارض می شود (67)»

پس وای بر حال ما که اینگونه به نمازهای واجبمان کم توجهی کمی می کنیم چه رسد به سایر عبادات. وای به حال ما که هنوز باور نکرده ایم باید توشه فراوانی برای راه طولانی برداریم.

#### 4- نماز شب حضرت زهرا (علیه السلام)

امام حسن مجتبی علیهما السلام می فرماید: در دوران کودکی شبی بیدار ماندم و به نظاره مادرم زهرا (علیه السلام) در حالی که مشغول نماز شب بود گذراندم.

پس از اینکه نمازش به پایان رسید متوجه شدم که در دعاهایش یک یک مسلمین را نام می برد و آنها را دعا می کند، خواستم بدانم که درباره خودش چگونه دعا می کند اما با کمال تعجب دیدم که برای خود دعا نکرد.

فردا از او سوال کردم: چرا برای همه دعا کردی، اما برای خود دعا نکردی؟» فرمود: «یا بنی الجار ثم الدار» پسر، اول همسایه بعد خودت.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «اما دخترم فاطمه علیها السلام پس به راستی که او سیده زنان عالمیان از اولین و آخرینشان می باشد.»

تا آنجا که فرمود: زمانی که در محرابش در مقابل پروردگار - جل جلاله - می ایستد، نورش برای ملائکه ها پرتو افکنی می کند، آن چنان که ستارگان آسمان برای اهل زمین نور افکنی می نمایند و خداوند متعال به ملائکه هایش می فرماید: «ای ملائکه من بنگرید به امه و کنیز من فاطمه سیده کنیزانم، که در مقابل من به عبادت ایستاده، به طوری که بدنش از ترس مقام من می لرزد. و با تمام وجود و قلبش بر عبادت و اطاعت من روی آورده، شما فرشتگانم را شاهد می گیریم که شیعیان فاطمه (علیه السلام) را از آتش جهنم ایمن گردانیدم.» (68)

البته به شرطی که ما از پیروان راستین آن بانوی بزرگ اسلام باشیم.

#### 5- نماز شب حضرت زینب (علیها السلام)

امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود «هرگز ندیدم که نماز شب و تهجد عمه ام زینب (علیها السلام) ترک شود، حتی شب یازدهم محرم (و بعد از آن همه خستگی ها و داغ ها و رنج ها) و شب های بعد در طول اسارت از کربلا تا کوفه و شام فقط یک شب دیدم عمه ام در حالت خسته نشسته به نماز شب مشغول است. گفتم: «عمه جان! نماز شب در حالت ایستاده داری فضیلت بیشتری است در پاسخ فرمود: می دانم، اما سه روز است که چون سهم آذوقه و غذا و آبی که به داده اند برای بچه ها کم بود، من سهم خود را نیز بین بچه ها تقسیم کرده ام، و اینک دیگر قوت و رمقی برایم نمانده تا نماز شب را ایستاده به جای آورم.» (69)

#### 6- امام سجاد (علیه السلام) و عبادت علی (علیه السلام)

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «خدمت پدرم رسیدم مشاهده کردم بجایی از عبادت رسیده که هیچ کس نخواهد رسید، صورتش از شب زنده داری زرد و چشم ها از شدت گریه مانند آتش سرخ گردیده، پیشانی از کثرت سجده پینه بسته، قدم ها و ساق پای مبارکش به واسطه طول قیام در نماز ورم کرده بود؛ فرمود: «من از دیدن آن حال نتوانستم خودداری کنم، دلم سوخت و شروع به گریه نمودم. در آن موقع پدرم به فکر فرو رفته بود پس از مختصر زمانی متوجه من شد فرمود: «پسر جان یکی از جزوه های عبادت علی بن ابی طالب (علیه السلام) را بیاور! جزوه ای را تقدیم کردم. اندکی از آن را خواند. با خاطری افسرده جزوه را به زمین گذاشت و فرمود: «چه کسی قدرت دارد مانند علی (علیه السلام) عبادت نماید.» (70)

## 7- مناجات های امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام چنین بود که گاهی شبانه به قبرستان می رفت و می فرمود:  
«ای اهل قبور! چه شده است که هر چه شما را صدا می زنم، جواب نمی دهید؟»

آنگاه می فرمود: «به خدا سوگند میان آنان و پاسخ گفتن فاصله افتاده و دیگر قادر بر جواب دادن نمی باشند و گویا ما هم نظیر ایشان خواهیم شد»<sup>(71)</sup>  
سپس رو به قبله می ایستاد و تا طلوع آفتاب به راز و نیاز و مناجات با خداوند می پرداخت.

## 8- امام هادی علیه السلام و نماز شب

قطب راوندی گفته در اخلاق و حالات حضرت امام هادی علیه السلام که وقتی شب فرا می رسید رو می کرد به قبله و مشغول عبادت می گشت و ساعتی از عبادت باز نمی ایستاد. بر تن شریفش جبهه ایی بود از پشم و سجاده اش بر حصیری بود و پیوسته لب مبارکش در تسبیح و ذکر خدا بود.<sup>(72)</sup>  
و همچنین آمده است که چندین نوبت که متوکل ملعون افرادی را برای تفتیش و بازرسی به منزل آن حضرت فرستاده بود، ماموران متوکل در هر دفعه که وارد خانه می شدند و می دیدند که امام بر روی سجاده حصیری اش مشغول عبادت و نماز خواندن بود و یا قرآن تلاوت می کرد.<sup>(73)</sup>

## 9- جوانی که با نماز قلبش منور بود

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که روزی حضرت رسول اکرم به عنوان نماز صبح به مسجد تشریف بردند، بعد از نماز جوانی را دیدند به نام (حارثه بن مالک) که رنگی زرد و بدنی ضعیف داشت، آنقدر بی خوابی کشیده و گریه کرده بود که چشمهایش در حدقه فرو رفته بود.

حضرت به او نزدیک شد و فرمود: «چگونه صبح کرده ای و حالت چگونه است؟»

عرض کرد: یا رسول الله صبح کردم در حالتی که یقین دارم» حضرت با تعجب فرمود: «هر چیزی علامتی دارد، علامت یقین شما چیست؟»

عرض کرد: «نشانه یقین من بی خوابی شب های من است که بیدار می مانم برای نماز و عبادت (همه شب را نماز بر پا می دارم) و روزهای گرم روزه می گیرم و دلم از دنیا روی گردانیده و به متاع دنیا کراحت می بینم عرش خداوند را که برای حساب در محشر نصب کرده اند و مردم محشور شده من نیز در میان ایشان هستم و می بینم اهل بهشت را که متنعم به انواع نعمت ها هستند و بر کرسی ها نشسته و با هم تعارف می کنند و همچنین می بینم اهل جهنم را که در میان جهنم معذبند و گویا در گوشم زفیر آتش است.

حضرت به اصحاب فرمود: «این بنده ای است که خداوند دل او را به نور آسمان منور گردانیده است» بعد فرمود «ای جوان به همین حال باش.» عرض کرد: یا رسول الله دعا کن که خداوند متعال شهادت را نصیب من گرداند.» حضرت دعا کرد و پس از چند روزی با جناب جعفر به جهاد رفت و بعد از نه نفر شهید شد. (74)

### 10- در حالات علامه بحر العلوم رحمة الله

مرحوم ملازمین العابدین سلماسی که از ملازمین و خواص علامه بحر العلوم است، اظهار می دارد که: «علامه بحر العلوم هر شب در کوچه های نجف، گردش می کرد و برای بینوایان غذا می برد.

اتفاقاً چند روزی درس را تعطیل کرد، طلاب مرا شفیع کردند که علت این امر را سوال کنم، وقتی از ایشان خواستم درس را شروع بفرمایند و درباره سبب ترک تدریس از ایشان سوال کردم، پاسخ دادند: «درس نمی گویم» پس از چند روز دوباره ماجرا تکرار شد و من انگیزه ترک تدریس را سؤال کردم. علامه فرمودند: «نیمه های شب هرگز نشنیدم که این طلاب با خداوند متعال مناجات کنند و به تضرع و زاری مشغول باشند، با اینکه من شب ها در کوچه های نجف گردش می کنم. این گونه طلبه ها سزاوار نیستند که آنان را درس دهم!»

وقتی طلاب از گفته علامه آگاه شدند، همه مشغول تضرع و زاری گشتند و شبها صدای گریه و مناجات آنان، از هر سو بلند شد و ایشان مجدداً، تدریس را آغاز کردند. (75)

### 11- شیخ جعفر کاشف الغطاء مرد دعا و نیایش

شهید بزرگوار، ملا محمد تقی برغانی قزوینی می گوید: «هنگامی که مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء وارد قزوین شد در منزل یکی از بزرگان ساکن گردید، در آن منزل، باغی وجود داشت، هنگام خواب فرا رسید و همه خوابیدند و من هم در گوشه آن باغ خوابیدم، چون پاسی از شب گذشت، شنیدم شیخ مرا صدا می زد و می فرماید:

«برخیز و نماز شب بخوان» عرض کردم: «بلی برمی خیزم» شیخ عبور کرد و من دوباره خوابیدم ناگهان صدایی شنیدم و به دنبال صدا روانه شدم وقتی جلو رفتم دیدم جناب شیخ به تضرع و مناجات مشغول است و صدای چنان در من اثر گذاشت که از آن شب تاکنون که 25 سال می گذرد هر شب برمی خیزم و به مناجات مشغول می شوم. (76)»



## 12- نماز شب در همه جا و همه وقت

شیخ جعفر کاشف الغطاء این عالم جلیل القدر روزی پس از تدریس فرمودند: «من یک دختر دارم که موقع ازدواج اوست، اگر یک آقای متدین با اخلاقی باشد دخترم را به او می‌دهم»، یکی از فضیلت‌های جلسه بلند شد و نشست، همین برخاستن یعنی خواستگاری؛ شیخ فرمود «به منزل ما بیا» و خود نیز به خانه رفت، این طلبه هم آمد، مرحوم شیخ او را می‌شناختند که طلبه فاضل و متدین است ولی از نظر مالی هیچ مکتبی ندارد. مرحوم شیخ به دخترش فرمود: دخترم شوهری برایت پیدا کردم، چیزی ندارد اما علم دارد، اخلاق دارد، تقوی و ورع دارد حاضری با او ازدواج کنی؟»

دختر در جواب گفت: اختیار من در دست شماست»، همان وقت خطبه عقد را خواندند، یکی از اطاق‌های منزل خودشان را حجله کردند و دختر را همان شب برای شوهرداری مهیا کردند و دختر و پسر به اتاق زفاف رفتند. قبل از اذان صبح که مرحوم کاشف الغطاء برای نافله برخاست، آمد در اطاق عروس و داماد را زد و فرمود: «آب را گرم کرده ام (آن موقع حمام داخل خانه‌ها نبود) در فلان اتاق است بروید و برای نماز شب غسل کنید»، آن دو برخاستند و غسل کردند و نماز شب را با هم خواندند. (77)

## 13- در حالات مرحوم کاشف الغطاء

در حالات مرحوم شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء که از بزرگان علما آمده در قرن سیزدهم و ساکن نجف اشرف بوده است: در یکی از شبها که برای «تهجد» برخاست، فرزند جوانش را از خواب بیدار کرد و فرمود: «برخیز به حرم مطهر مشرف شده در آنجا نماز بخوانیم فرزند جوان که برخاستن از خواب در آن

ساعت شب برایش دشوار بود، در مقام اعتذار بر آمد و گفت من فعلا مهیا نیستم شما منتظر من نشوید، بعد، مشرف می شوم. «

فرمود «نه، من اینجا ایستاده ام؛ برخیز، مهیا شو که با هم برویم.» آقازاده، به ناچار از جا برخاست وضو ساخت و با هم به راه افتادند. کنار درب صحن مطهر که رسیدند، آنجا مرد فقیری را دیدند نشسته و دست سوال از برای گرفتن پول از مردم باز کرده است.

آن عالم بزرگوار ایستاد و رو به فرزندش فرمود: «این شخص در این وقت شب برای چه اینجا نشسته است؟» گفت: «برای تکدی از مردم. فرمود: آیا چه مقدار ممکن است از رهگذران، عاید او گردد؟» گفت: احتمالاً مقداری ناچیز» فرمود: درست فکر کن ببین، این آدم برای یک مبلغ بسیار اندک کم ارزش دنیا آن هم محتمل، در این وقت شب از خواب و آسایش خود دست برداشته و آمده در این گوشه نشسته و دست تذل به سوی مردم باز کرده است! آیا تو، به اندازه این شخص، اعتماد به وعده های خدا درباره شب خیزان. متهمندان نداری که فرموده است:

فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قرۃ اعین؟! (78)

گفته اند آن فرزند جوان از شنیدن این گفتار از آن دل زنده و بیدار، آن چنان تکان خورد و تنبه یافت که تا آخر عمر از شرف و سعادت بیداری آخر شب برخوردار بود و نماز شبش ترک نشد»

آری، ان هو الا ذکر و قرآن مبین لینذر من کان حیا (79)

و گر نه، ما انت بمسمع من فی القبور (80)

از مردگان در دل خاک خفته، چه انتظاری می توان داشت (81)

#### 14- در حالات عالم بزرگوار حجة الاسلام شفتی

این عالم بزرگوار و شخصیت ربانی پیوسته خود را در محضر باری تعالی می دید و چیزی او را از حضور و مراقبت، باز نمی داشت!

گوشه های چشم او از کثرت گریستن در مقام تهجد مجروح شده بود!

یکی از نزدیکان این بزرگوار گفته است، با آن مرحوم به یکی از روستاها رفتیم، شب را در راه گذراندیم، سید به من فرمود: «نمی خوابی، من رفتم که بخوابم، چون سید گمان کرد که من خوابیدم، برخاست و مشغول نماز شد، به خدا سوگند دیدم بندهای دوش و اعضایش می لرزید، به طوری که کلمات نماز را از شدت حرکت فکین و اعضا، مکرر می نمود تا آن را صحیح ادا کند»

گویند از شدت حضور قلبی که در پیشگاه خداوند داشت بندهای دوشش می لرزید و به محض اینکه مجلس از مردم خالی می شد، اشکش جاری می گشت!

محدث قمی می نویسد: «در عبادت و دعا و مناجات با قاضی الحاجات و نوافل، حکایات بسیاری از آن جناب نقل شده است. (82)

#### 15- شب های پرشور حجة الاسلام شفتی

این بزرگوار نیمه شب تا صبح به گریه و زاری و تضرع، اشتغال داشت و در صحن کتابخانه اش مانند افراد مجنون، حرکت می کرد و دعا و مناجات می خواند و تا صبح بر سر و سینه می زد!

چنان صدای گریه او بلند بود که اگر همسایگان بیدار می شدند، می شنیدند.

بالاخره از کثرت گریه و زاری در اواخر عمر بیمار شده و پزشکان او را از گریه منع کردند و گفتند و گریستن بر شما حرام است زیرا موجب افزایش بیماری خواهد شد.

هنگامی که سید به مسجد می رفت تا وقتی که در مجلس حضور داشت  
ذاکرین منبر نمی رفتند و اگر اتفاقاً در حضور او ذاکری بالای منبر می رفت او  
بر نمی خاست و باز گریه نمی کرد. (83)

### 16- دعای پدری بزرگ در حق پسر به هنگام سحر

صاحب (مرات الاحوال) می نویسد:

«از بعضی ثقات شنیدم که آخوند ملا محمد تقی مجلسی نقل کرده که :  
در شبی از شبها بعد از نماز و تهجد و گریه و زاری به درگاه قادر متعال،  
خود را به حالتی دیدم که دانستم هر چه بخواهم عنایت می فرماید و در اندیشه  
بودم که چه بخواهم؟ دنیوی یا اخروی؟ که ناگاه صدای گریه محمد باقر (84) از  
گهواره بلند شد، من گفتم : الهی به حق محمد و آل محمد ﷺ این طفل را  
مروج دین و ناشر احکام سیدالمرسلین گردان و موفق کن او را به توفیقات بی  
نهایت خود. (85)

### 17- قافله سحرخیزان

چند نفر از علماء نزد استادی رفتند تا از مقام علمی او استفاده کنند، ولی  
دیدند استاد مانند مصیبت زده ها نشسته و حال پریشانی دارد از او پرسیدند چه  
شده؟ مگر کسی از شما مرده است؟ استاد گفت :

دیشب آن چنان خوابیدم که نماز نافله شب از من فوت شد، دیشب  
سحرخیزان، نماز شب گزاران و استغفارکنندگان رفتند ولی من بدبخت امروز  
قضای آنرا خواندم، آیا مصیبتی از این بالاتر می شود. (86)

ای رانده ز درگاه الهی برخیز      محروم ز فیض صبحگاهی برخیز  
روزت گذرد به معصیت، شب غفلت      باری، سحری به عذرخواهی برخیز  
برخیز سحر ناله و آهی می کن      استغفرالله ز هر گناهی می کن

## 18- تسبیح در و دیوار همراه با عارف وارسته ملا محمد کاشی

در شرح حال آخوند ملا محمد کاشی، (استاد آقا نجفی قوچانی و حاج رحیم ارباب اصفهانی و بسیاری دیگر از اعظام) آورده اند: «هر نیم شب، نمازی چنان به سوز و گداز می خواند و بدنش به لرزه می افتاد که از بیرون حجره، صدای حرکت استخوان هایش احساس می شد!!

روزی پس از ختم درس، یکی از طلاب به درس آن بزرگوار آمد و گفت: آقا این شیخ می گوید که دیشب به وقت سحر دیدم که از در و دیوار مدرسه صدای سبوح قدوس ربنا و رب الملائکة و الروح برمی آید» آخوند فرمود: «اینکه در و دیوار به ذکر من متذکر می باشند، امری نیست، مهم آنست که او از کجا محرم راز گشته است. (87)

## 19- میرزا سلیمان تنکابنی

صاحب کتاب قصص العلماء، درباره پدرش مرحوم میرزا سلیمان تنکابنی که از شاگردان حکیم بزرگ، آخوند ملا علی نوری رحمة الله است می نویسد: «پدرم، مواظب نماز اول وقت و نوافل وارده بود و هر روز یک جزء از قرآن را تلاوت می کرد و هر روز صبح سوره یس و صد مرتبه ذکر لا اله الا الله الملک الحق المبین و برخی اوراد و اذکار دیگر را قرائت می کرد و سوره واقعه را در قنوت نماز (نافله عشاء) می خواند و نماز شبش هیچ وقت ترک نشد. شبی، هنگام سحر از خواب بیدار شدم، دیدم پدرم نشسته است و به شدت گریه می کند. بعد از پایان گریه اش، سؤال کردم علت گریه چیست؟ فرمود: «در قنوت نماز وتر، مناجات (خمس عشره) را می خواندم و می گریستم، ناگاه شنیدم که از سقف اتاق، آوازی برآمد که: ایها العالم العامل...

مرحوم والد، بیش از این سخنی نفرمود و دنباله صدایی را که شنیده بود اظهار نکرد، سپس فرمود: «وقتی آن آواز را شنیدم، چنان گریه بر من غالب شد که نتوانستم نماز را تمام کنم، بی اختیار نشستم و گریستم. و تا من زنده هستم، راضی نیستم این راز را که به کسی بگویم.»<sup>(88)</sup>

## 20- عبادت تا به چه حد می رسد

در حالات شهید محراب مرحوم ملا محمد تقی برغانی آمده است :  
«عبادت آن جناب قدس السره چنان بود که همیشه از نصف شب تا طلوع صبح صادق به مسجد خود می رفت و به مناجات و ادعیه و تضرع و زاری و تهجد اشتغال داشت و مناجات «خمس عشرة» را از حفظ می خواند و بر این روش و شیوه پسندیده استمرار داشت تا همان شب که شربت شهادت نوشید.»  
مکرر در فصل زمستان دیده می شد که در پشت بام مسجد خود، در حالی که برف به شدت می بارید، در نیمه شب پوستینی بر دوش و عمامه بر سر داشت و مشغول تضرع و مناجات بود و با حالت ایستاده، دست ها را به سوی آسمان بلند کرده، تا این که برف، سراسر قامت مبارکش را از سر تا پا سفید پوش می کرد.

جالب توجه است که این بزرگوار در حال سجده که مناجات خمس عشرة را می خواند به دست فرقه بابیه به شهادت رسید.<sup>(89)</sup>

## 21- نمازهای ملا هادی سبزواری

حاج ملاهادی سبزواری در تمام عمر، یک سوم آخر شب را بیدار و به راز و نیاز و خواندن دعای جوشن کبیر و نماز شب سرگرم بود و با ناله و گریه و مناجات های نیمه شب خانواده وی که در حجره های بالاخانه در خواب بودند از خواب بیدار می گشتند و صدای حکیم را می شنیدند و در تمام مدت تدریس

ممکن نشد که بانگ موذن بلند شود و ایشان درسی را قطع ننموده و به بیانات خود پایان ندهند. و صدایشان به اذان بلند نشود. (90)

## 22- مقامات مقدس اردبیلی از برکت نماز شب

مقدس اردبیلی (اعلی الله مقامه) که مکرر خدمت حضرت حجة ٱللہ مشرف شد، کارش به جایی رسیده بود که بر سر قبر حضرت امیرالمومنین با آقا حرف می زده است از خودش نقل شده که سبب رسیدن من به این درجات آن بود که در ابتدای تحصیل با طلبه ای هم حجره بودم و با او عهد بستم که هر چه برای ما پیش آید به کسی نگوید. بلاخره وقتی پیش آمد که هیچ نداشتیم، رفیقم در اثر فقر گرسنگی خیلی ضعیف شده بود و به واسطه عهدی که کرده بودم با کسی صحبت نمی کرد.

روزی یک نفر به مدرسه آمد و در غیاب من علت ضعف را از رفیقم پرسیده بود، او نخست نگفته بود بعد که او را قسم می دهد حقیقتش را می گوید که از فرط فقر و گرسنگی من و رفیقم این طور ضعیف گردیده ایم. آن شخص فوراً می رود طعام می آورد و کیسه پولی هم برای هر دو نفر می آورد. وقتی که ملا احمد (مقدس اردبیلی) می آید به رفیقش اعتراض می کند که چرا گفتم مگر نه ما عهد کرده بودیم. خلاصه غذا را با هم می خورند و پول را هم نصف می نمایند و مقدس اردبیلی شب می خوابد نیمه های شب بیدار می شود می بیند محتمل گردیده به سوی حمام می آید تا غسل نماید حمامی در را از داخل بسته بود. مقدس اردبیلی اصرار کرد حمامی در را باز نکرد گفت دو برابر پول، گفت باز نمی کنم، گفت سه برابر... خلاصه حاضر شد تمام پول هایی که روز گذشته به دستش آمده بود بدهد تا حمامی در را باز کند و مقدس اردبیلی غسل بکند تا نماز شبش از او فوت نگردد.

از همان شب خداوند الطاف خاصی به او فرمود که نتیجه اش همین بروز کرامات از اوست. (91)

### 23- در حالات حاج شیخ حسنعلی اصفهانی رحمه الله (معروف به نخودکی)

آقای نظام التولیه سرکشیک آستان قدس رضوی نقل کرد که :

«شبی از شبهای زمستان که هوا خیلی سرد بود و برف می بارید، نوبت کشیک من بود. اول شب خدام آستان مبارکه (حضرت رضا علیه السلام) به من مراجعه کردند و گفتند به علت سردی هوا و بارش برف زائری در حرم نیست، اجازه دهید حرم را ببندیم، من نیز به آنان اجازه دادم. مسئولین درها را بستند و کلیدها را آوردند و مسئول بام حرم مطهر آمد و گفت : «حاج شیخ حسنعلی اصفهانی از اول شب تاکنون بالای بام و در پای گنبد مشغول نماز می باشند و مدتی است که در حال رکوع هستند و چند بار که مراجعه کردیم ایشان را به همان حال رکوع دیدیم، اگر اجازه دهید به ایشان عرض کنیم که می خواهیم درها را ببندیم.»

گفتم : «خیر، ایشان را به حال خود بگذارید، و مقداری هیزم در اطاق پشت بام که مخصوص مستخدمین است بگذارید که هرگاه از نماز فارغ شدند استفاده کنند و در بام را نیز ببندید.»

مسئول مربوطه مطابق دستور عمل کرد و همه به منزل رفتیم. آن شب برف بسیاری بارید. هنگام سحر که برای باز کردن درهای حرم مطهر آمدیم، به خادم بام گفتم برو بین حاج شیخ در چه حالند. پس از چند دقیقه خادم مزبور بازگشت و گفت : «ایشان همان طور در حال رکوع هستند و پشت ایشان با سطح برف مساوی شده است» معلوم شد که ایشان از اول شب تا سحر در حال رکوع بوده اند، نماز ایشان هنگام نماز اذان صبح به پایان رسید. (92)



خوشا آنان که الله یارشان بی که حمد و قل هو الله کارشان بی  
خوشا آنان که دائم در نمازند بهشت جاودان بازارشان بی

#### 24- مادر آیت الله میرزا مهدی شیرازی رحمة الله

مرحوم میرزا مهدی شیرازی رحمة الله فرمودند: «موقعی که والده ما برای نماز شب برمی خواست مرا هم که هنوز کودک خردسالی بودم از خواب بیدار می نمود و از پشت بام پایین آورده نزد خود می نشانید و مشغول نماز شب می شد و به من می گفت: «مهدی بیدار بمان.»

پدرم فرمود: «در آن موقع از شب چشمان مرا خواب گرفته بود به طوری که می خواستم از پله ها به طرف زمین پرتاب شوم.»<sup>(93)</sup>

#### 25- نماز شب و نورافشانی خانه ها

از استاد الهی و عارف ربانی مرحوم حاج شیخ جواد انصاری همدانی نقل شده که می فرمود:

«فلانی با اینکه شخص عوامی است شبی که برای نماز شب به پا خاسته، مشاهده نموده که در حدود 500 خانه از خانه های همدان نورافشانی میکند و به الهام شده که در این خانه ها نماز شب خوانده می شود که تا آسمان کشیده شده است و الهام شده است که وجود مقدس حضرت بقیة الله است که به نماز شب ایستاده است.»<sup>(94)</sup>

#### 26- در حالات ملا محمد اشرفی

در حالات مرحوم ملا محمد اشرفی که از شاگردان سیدالعلماست آورده اند: «از نیمه شب تا صبح مشغول تضرع و زاری و مناجات بود، آنقدر بر سر و سینه می زد که هنگامی که صبح می شد در نهایت ضعف و نقاهت بود که هر که او را می دید گمان می برد تازه از بستر بیماری، برخاسته است.»<sup>(95)</sup>

## 27- مرحوم ملکی تبریزی و نماز شب

یک از دوستان و نزدیکان مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، می گوید: «مرحوم ملکی تبریزی شب ها که برای تهجد و نماز شب، به پا می خواست، ابتدا در بستر مدتی، صدا به گریه بلند می کرد!

سپس بیرون می آمد و نگاه به آسمان می کرد و آیات ان فی خلق السموات والارض... را می خواند و سر به دیوار می گذاشت و مدتی گریه می کرد و پس از تطهیر نیز کنار حوض مدتی پیش از وضو، می نشست و می گریست.

خلاصه از هنگام بیدار شدن تا آمدن به محل نماز و خواندن نماز شب چند جا می نشست و برمی خواست و گریه سر می داد، و تا به مصلاش می رسید، دیگر حالش قابل وصف نبود»<sup>(96)</sup>

آه از آن نرگس جادو که چه بازی انگیخت      وای از آن مست که با مردم هشیار چه کرد؟  
برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر      وه که با خرمن مجنون دل افکار چه کرد؟  
برق عشق آتش غم دردل حافظ زد و سوخت      یار دیرینه ببینید که با یار چه کرد؟

## 28- در نماز شب مومنین را دعا کنید

حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رحمه الله روزی پس از پایان درس عازم حجره یکی از طلبه ها که در مدرسه دارالشفاء بود، به حجره آن طلبه وارد شد و پس از به جای آوردن مراسم احترام و اندکی جلوس برخاست و حجره را ترک گفت. هدف از این دیدار از او پرسیده شد در پاسخ فرمودند:

شب گذشته هنگام سحر، فیوضاتی بر من افاضه شد که فهمیدم از ناحیه خودم نیست و چون توجه کردم دیدم این آقای طلبه به تهجد برخاسته و در نماز شبش به من دعا می کند و این فیوضات اثر دعای اوست این بود که بخاطر سپاسگزاری از عنایتش به دیدار او رفتم. «<sup>(97)</sup>

## 29- در حالات آقا نورالدین عراقی

شیخ الفقها، حضرت آیت الله العظمی آقای اراکی رحمة الله در رابطه با مرحوم آقا نورالدین عراقی و نماز شب های ایشان این داستان را نقل می فرماید:

«آقای نورالدین مرد عجیبی بود، معروف بود که نماز شب ایشان دیدنی است. شخصی به نام سید محمود خوانساری از اهل منبر، طالب شد که او را ببیند: چون صدای العفو العفو ایشان توی کوچه می آمد، و مردم از توی کوچه گوش می گرفتند، این آقا، خواست که خود مجلس نماز شب خواندن آقا نورالدین را ببیند.

شب های ماه مبارک بود و مرحوم آقا نورالدین از عده ای از جمله از آقای خوانساری برای افطار دعوت کرد، آقا سید محمود خودش گفت، وقتی افطار تمام شد و همه رفتند، من نشستم، دید من بلند نمی شوم، به خدمتکارش گفت: «دو تا رختخواب بیاور» یک رختخواب خودش داشت، یکی را هم برای من آوردند.

من توی رختخواب که رفتم نخوابیدم، می خواستم سحر ایشان را ملاحظه کنم، سحر شد دیدم که بلند شد رفت بیرون وضو گرفت و آمد مشغول نماز شد، وقتی که رسید به «العفو» دیدم چنان گریه بر او مستولی شد که چندین دفعه بغض گلویش را گرفت، فکر می کرد من در خواب هستم.<sup>(98)</sup>

## 30- خاطره ای از علامه طباطبایی رحمة الله

علامه سید محمد حسین طباطبایی، صاحب تفسیر شریف المیزان می فرماید:

«چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم از نقطه نظر قرابت و خویشاوندی، گاهی به محضر مرحوم آیت الله حاج میرزا علی آقا قاضی قدس السره شرفیاب می شدم، تا اینکه یک روز جلو در مدرسه ای ایستاده

بودم که مرحوم قاضی از آنجا عبور می کردند، چون به من رسیدند دست خود را روی شانه من گذرادند و گفتند:

ای فرزند! دنیا می خواهی نماز شب بخوان، آخرت می خواهی نماز شب بخوان.

این سخن آنقدر در من اثر کرد که از آن به بعد تا زمانی که به ایران مراجعت کردم، پنج سال تمام در محضر قاضی روز و شب بسر می بردم و آنی از ادراک فیض ایشان دریغ نمی کردم. «

عمل نمودن علامه به توصیه و سفارش استاد خود مرحوم قاضی و عنایت و توجه به مسائل عبادی و تهجد همراه با تفکر و تعمق در قرآن، علامه را به نقطه ای از اعتلای معنوی می رساند که وقتی دست به قلم می برد، چنان آثاری از خود بر جای می گذارد که بدون شک در نوع خود بی نظیر است، تفسیر المیزان یکی از آن آثار است، که پی بردن به ارزش آن مستلزم داشتن زمینه های علمی و تحقیقی لازم و برخورداری از علوم قرآنی است. المیزان یک دوره کامل تفسیر قرآن است که در بیست جلد مدون گردیده است. (99)

### 31- نماز شب آقا نجفی قوچانی رحمه الله

مرحوم آقا نجفی قوچانی در کتاب سیاحت شرق درباره نماز شب و دقت در اینکه برای کسی مزاحمت ایجاد نکنند می نویسد:

«در این حجره تازه که حجره هامان وصل به هم بود از میان طاقچه سوراخ نمودیم و ریسمانی در آن کشیدیم یک سر ریسمان در حجره رفیق بود و یک سر آن در حجره من، وقت خواب، آن سر را رفیق به پا دست یا دست خود می بست و این سر ریسمان را من به دست خود می بستم، که هر کدام زودتر بیدار

شویم دیگری را بدون این که صدایی بزنی، به توسط همان ریسمان بیدار کنیم که مبادا طلبه ای از صدای ما بیدار شود و راضی نباشد. <sup>(100)</sup>»

از ابتدای جوانی خود را باید به عبادت ها به خصوص نماز شب عادت بدهیم، و خود را با این کارها مانوس نماییم. و اولیا باید به این نکته توجه نمایند که فرزندانشان را با نماز و فلسفه و آثار آن آشنا نمایند.

### 32- محدث قمی (شیخ عباس قمی)

محدث قمی در هنگام تلاوت قرآن وقتی به آیه شریفه و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون «جن و انس را نیافریدیم مگر برای عبادت» می رسید لرزه بر اندامش می افتاد و می فرمود: «وا اسفا چقدر غافلیم و چه اندازه از خدا دور افتاده ایم. در حالی که عبادت و پرستش او هدف از آفرینش جن و انس بوده است و چرا ما از آن هدف مبارک دور افتاده باشیم» و این ورد زبان ایشان بود و هر جا که منبر می رفت و موعظه می کرد فلسفه آفرینش موجودات و انسان را یاد آوری می کرد و می گفت «فراموش نکنید که عبادت خدا هدف خلقت است.» «فرزند ایشان مرحوم حجة الاسلام آقای حاج میرزای علی محدث زاده نقل کرده است «پدرم شب جمعه ای پس از نماز شب، در نجف اشرف مشغول خواندن سوره «یس» می شود وقتی که به آیه شریفه هذه جهنم التي كنتم توعدون می رسد چند بار آن را تکرار کرده و مکررا می گوید «اعوذ بالله من النار» پناه می برم به خداوند از آتش جهنم و چنان منقلب می شود که نمی تواند بقیه سوره را بخواند و به همان حال باقی می ماند تا هنگام اذان صبح که مشغول نماز صبح می شود» <sup>(101)</sup>

### 33- آه و ناله امام در دل شب

یکی از اساتید قم نقل می کرد که شبی مهمان حاج آقا مصطفی بودم در همین قم قبل از این که امام به زندان و تبعید کشیده بشود، البته حاج آقا مصطفی هم منزل آقا بودند، خانه جداگانه ای نداشتند گفت نصف شب از خواب پریدم و دیدم که صدای آه ناله در خانه بلند است و نگران شدم که چه اتفاقی افتاده در خانه، حاج آقا مصطفی که پهلویم خوابیده بود بیدارش کردم و گفتم «بلند شو ببین در خانه ات چه خبر است.»

مرحوم حاج آقا مصطفی بلند شدند و نشستند و گوش فرا دادند و دوباره گرفتند خوابیدند و گفتند: «آقا است، مشغول تهجد می باشد. مشغول عبادت است.» (102)

### 34- نماز شب امام علیه السلام هرگز ترک نشد

پنجاه سال است که نماز شب امام خمینی ترک نشده، امام در بیماری، در صحت، در زندان، در خلاصی، در تبعید، حتی در روی تخت بیمارستان قلب هم نماز شب می خواند.

امام در قم بیمار شدند به دستور اطبا امام به تهران می بایست منتقل شوند. هوا بسیار سرد بود و برف می بارید، یخبندان عجیبی در جاده ها وجود داشت. امام چندین ساعت در آمبولانس بودند و پس از انتقال به بیمارستان باز نماز شب خواندند.

امام شبی که از پاریس به سوی تهران می آمدند تمام افراد در هواپیما خوابیده بودند و تنها امام در طبقه بالای هواپیما نماز شب می خواندند. و شما اگر از نزدیک دیده باشید آثار اشک بر گونه های مبارک امام حکایت از شب زنده داری و گریه های نیمه شب وی دارد.

جالب این است که امام همیشه موقع نماز عطر و بوی خوش مصرف می کنند و شاید بدون بوی خوش سر نماز نایستاده باشند، حتی در نجف هم که نماز شب را پشت بام می خواندند در همان پشت بام نیز یک شیشه عطر داشتند. (103)

### 35- شهید قدوسی رحمة الله و نماز شب

در رابطه با این حالات این شهید بزرگوار گفته شده که : او حتی به مستحبات و مکروهات، بسیار اهمیت می داد. نماز شب را برای روحانی لازم می دانست. یک شب در مسجد گوهرشاد با نگرانی می فرمود: «ابراهیم بسیار ناگوار و غیره منتظره بود که شنیدم، یکی از اساتید مدرسه حقانی مقید به نماز شب نیست. با ایشان صحبت کردم، معلوم شد سبکی معده را در شب رعایت نمی کند.» بار دیگر می فرمود: ما وقتی در نهاوند بودیم، سالی یک بار به صورت خانوادگی منزل یکی از آشنایان دعوت می شدیم من پس از تکرار چند نوبت، دیدم همان شبی که ما در آن مهمانی غذا می خوریم، نماز صبح روز بعد به آخر وقت کشیده می شود و موفق به نماز شب نمی شویم. متوجه شدم در اموال آن شخص اشکالی وجود دارد.» (104)

### 36- نماز شب شهید مطهری رحمة الله در منزل رهبر انقلاب

حضرت آیت الله خامنه ای «ادام ظلّه» رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران چنین می فرمایند:

«مرحوم مطهری یک مرد اهل عبادت و اهل تسویه و تزکیه اخلاق و روح بود من فراموش نمی کنم. ایشان وقتی به مشهد می آمد خیلی از اوقات به منزل ما وارد می شد گاهی هم ورودشان در منزل خویشاوندان همسرشان بود.

هر شبی که ما با مرحوم مطهری بودیم، این مرد نیمه شب، تهجد با ناله داشت. یعنی نماز شب می خواند و گریه می کرد به طوری که صدای گریه و مناجات او افراد را از خواب بیدار می کرد.

یک شب ایشان منزل ما بودند نصف شب از صدای گریه ایشان خانواده ما از خواب پریده بودند البته اول ملتفت نشده بودند صدای کیست، اما بعد فهمیدند که صدای آقای مطهری است بله ایشان نصف شب نماز شب می خواند همراه با گریه، با صدایی که از آن اطلاق می شد، آن را شنید. <sup>(105)</sup>

### 37- استاد شهید رحمة الله و شب زنده داری

یکی از خصوصیات استاد مطهری رحمة الله عنایت زیاد به تهجد و شب زنده داری بود و از دوران طلبگی تا آخر عمر، بدان پایبند بودند.

یکی از دوستانش درباره ایشان می گوید:

«از ویژگی های آن مرحوم، تقید و علاقه مفرط ایشان بود به ذکر و دعا و شب بیداری.»

به یاد دارم که در همان اوایل آشنایی ما با یکدیگر، او به نماز شب مقید بود و مرا نیز بدان تحریص می کرد و من به بهانه این که این حوض مدرسه شور و کثیف، و برای چشمانم مضر است از آن شانه خالی می کردم تا این که شبی در خواب، دیدم که: در خوابم و مردی مرا بیدار کرد و گفت: من عثمان بن حنیف نماینده حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام می باشم و آن حضرت به تو دستور داده اند به پای خیز و نماز شب را به یادار و این نامه را نیز آن حضرت برای تو فرستاده اند. در آن نامه با حجم کوچکی که داشت با خط سبز روشن نوشته بود: هذه براءة لك من النار من در عالم خواب با توجه به فاصله زمانی که حضرت علی علیه السلام، متحیرانه نشست بودم که ناگاه در همان حال تحیر مرحوم



مرحوم آیت الله مطهری مرا از خواب بیدار کرد و در حالی که ظرف آبی در دست داشت گفت: این آب را از رودخانه تهیه کرده ام برخیز و نماز شب بخوان و بهانه مجوی. « (106)

### 38- در حالات پدر استاد مطهری رحمه الله

از زبان استاد شهید مرتضی مطهری نقل شده که «ما یک سلسله لذت های معنوی داریم که معنویت ما را بالا می برد. برای کسیکه اهل نماز شب باشد، جزو صادقین و صابرين و مستغفرین باشد، نماز شب لذت و بهجت دارد.

لهذا کسانی که چنین توفیقاتی داشته اند و ما چنین اشخاصی را دیده ایم، به لذت های مادی ای که ما دل بسته ایم هیچ اعتنا ندارند. چه مانعی دارد که من ذکر خیری از پدر بزرگوار خودم بکنم.

از وقتی که یادم می آید (حداقل از چهل پیش) من می دیدم که این مرد شریف هیچ وقت نمی گذاشت و نمی گذارد که وقت خوابش از سه ساعت از شب گذشته تأخیر بیفتد.

شام را سر شب می خورد و سه ساعت از شب گذشته می خوابید و حداقل دو ساعت به طلوع صبح مانده و شبهای جمعه از سه ساعت به طلوع صبح مانده بیدار می شود و حداقل قرآنی که تلاوت می کند یک جز است و با چه فراغت و آرامشی نماز شب می خواند. حالا تقریباً صد سال از عمرش می گذرد و هیچ وقت من نمی بینم که یک خواب ناآرامی داشته باشید، و همان لذت معنویست که این چنین نگهش داشته، یک شب نیست که پدر مادرش را دعا نکند. یک نامادری داشته که به او خیلی ارادتمند است و می گوید: خیلی به من محبت کرده است شبی نیست که او را دعا نکند. یک شب نیست که تمام

خویشاوندان و ذی حقان و بستگان دور و نزدیکش را یاد نکند. اینها دل را زنده می کند.

آدمی اگر بخواهد از چنین لذتی بهره مند شود، ناچار از لذتهای مادی تخفیف می دهد تا به آن لذت عمیق الهی برسد. <sup>(107)</sup> «

### 39- نماز شب در شب عملیات

از برادر صحتی خواهش کردم از حالت بچه ها در شب پیش از عملیات برایم بگویند. گفت: «در شب حمله بیشتر بچه ها دعا می خوانند. نماز شب می خوانند. هر کسی هم که معمولاً نماز شب نمی خواند، آن شب می خواند بچه ها از خداوند و از همدیگر طلب بخشش می کنند کسانی که وصیت نامه ننوشته اند، وصیت نامه شان را می نویسند، بعضی ها زیارت عاشورا می خوانند و خیلی ها گریه می کنند.

هر گوشه ای را که نگاه کنی، کسی را می بینی که در حال خواندن دعا است و گریه می کند حالتی روحانی به وجود می آید بعضی ها از برادرانشان قول می گیرند که اگر شهیدی شدی نزد خدا مرا شفاعت کن، و بعضی ها نماز شکر می خوانند...

رزمندگان از چادرها بیرون آمده بودند و با آب سرد وضو می گرفتند و به سوی چادر نماز خانه گردان می شتافتند که بلند گوی آن اکنون ندا می داد: حی علی الصلوة - حی علی الصلوة... <sup>(108)</sup>

### 40- مناجات با معبود در اسارتگاه

به یاد دارم اولین روزی که به همراه عده ای از دوستان به آسایشگاه 17 منتقل شدیم با دیدن آن همه افراد در آن آسایشگاه متعجب شده بودم و به این فکر فرو رفتم که هنگام خواب چگونه این همه افراد در کنار یکدیگر می توانند

خود را جا دهند به خاطر خستگی روحی، شب اول زود به خواب رفتیم ناخود آگاه نیمه های شب از خواب بیدار شدم. صدای زمزمه ای به گوشم رسید. از جای خود بلند شدم و به اطراف نگاه کردم با بهت و ناباوری تمام، مشاهده کردم که حدود سه چهارم آسایشگاه به صورت انفرادی مشغول مناجات و خواندن نماز شب و تلاوت قرآن کریم هستند نزدیکترین فردی که کنارم نشسته بود پرسید: «حالت بهتر شده» دلم می خواست از خجالت زمین دهان باز کند و مرا در خود فرو ببرد با شرمندگی جواب دادم که : بله!

پرسیدم : «بچه ها هر شب این برنامه را دارند؟» گفت : بله!

اکنون جواب سوالی را که از اول غروب در مورد تنگی جا برای خواب در ذهنم نقش بسته بود گرفته بودم : اکثر بچه ها تمام طول شب را در حال مناجات با معبود خود می گذرانند. <sup>(109)</sup>

## فصل دوم : نیایش نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای من! سرور من! منم، بنده بیچاره تو همان که هیچ هیچ بودم، تو با عنایت هایت هستی ام بخشیدی و با بزرگواری هایت کرامتم دادی و با فیوضات و تفضلات، نعمتهایی بی شمار ارزانیم داشتی.

سرور من! تویی که بر من نعمتها بخشیدی ؛ تویی که در حق من کرامت ها روا داشتی تویی که با من نیکی ها کردی ؛ تویی که بر من منت ها نهادی ؛ تویی که بر من فیوضات و برکاتت باریدی ؛ تویی که نیازهایم بر آوردی ؛ تویی که نقص هایم به کمال رساندی ؛ تویی که روزیم دادی ؛

تویی که پناهم دادی ؛ تویی که یاریم رساندی ؛ تویی که بدی هایم را پوشاندی ؛ تویی که گناهم را بخشودی ؛ تویی که از خطرهایم داشتی ؛

تویی که در بیماری ها شفایم دادی، تویی که در بیراهی ها راهم نمودی،  
تویی که از من جانبداری ها کردی ؛ تویی که با من نیکی ها و مهربانی ها و  
بنده نوازی ها نمودی.

و من، منم که خطا کردم ؛ منم که عصیان ورزیدم ؛ منم که پاس تو را نداشتم  
؛ منم که حرمت تو را شکستم ؛ منم که فرمان تو را زیر پا نهادم ؛ منم که از تو  
روگرداندم ؛ منم که به بیراهه افتادم ؛ منم که کژروی کردم ؛ منم که تبهکاری  
نمودم، منم که ناسپاسی ورزیدم ؛ منم که پیمان تو شکستم ؛ منم که پیوند تو  
بریدم ؛ منم که کور و کر شدم ؛ منم که نفهمی و جهالت ورزیدم ؛ و منم که به  
گرداب تباهی و سیاهی در افتادم.

مولای من! من همانم که راهم نمودی، بیراهی کردم ؛ به کارهایی فرمانم  
دادی، نافرمانی کردم ؛ از کارهایی بازماندستی، به انجام آنها حرص ورزیدم ؛ و  
اینک، نه رویی دارم که یوزش خواهم و نه زبانی دارم که عذر آورم، اینک  
چگونه به تو رو آورم و با تو سخن گویم؟ با روی سیاهم؟ با دامن آلوده ام؟ با  
زبان پلیدم؟ با گوش پلشتم؟ با دست گناهکارم با پای عصیان ورزیدم؟...

مگر اینها همه نعمتهایی نیست که تو به من بخشیدی و من همه را در  
نافرمانی و ناخرسندی تو به کار بردم؟

وای بر من! وای بر من! چنان گناهکارم و ناسپاسم که اگر زمین از  
گناهکاری هایم آگاه بود، بی گمان می شکافت و مرا در خود فرو می بلعید، اگر  
کوه ها از وزر ورزی هایم با خبر بودند، پاره پاره می شدند و بر سرم فرو  
کوئیده می گشتند، اگر دریاها ناسپاسی هایم را می دانستند، می خروشیدند و  
مرا به کام گرداب هایشان فرو می کشیدند.

وای بر من! وای بر من! اگر کیفر گناهانم را و مجازات ناسپاسی هایم را به آخرت واگذاری.

وای بر من! وای بر من! اگر در قیامت رو سیاه، سرافکننده، دست به گردن بسته، و پشت شکسته به محشرم آوری، از من حسابرسی کنی، با من به اعمالم معامله کنی و به عدل و داد یاداش و کیفرم دهی.

چه خساراتی! چه بیچارگیی! چه شرمساریی! کاش آنچه از آن می ترسم، امروز در این دنیا به سرم فرود آید و آن روز در آن دنیا در پیشگاه خدایم، مولایم و سرورم رو سیاه، بی آبرو و شرمسارم نسازد. شگفتا از مهربانی و بنده نوازی خدای من! من معصیت او می ورزم و حرمت او می شکم و فرمان او زیر پا می گذارم، اما به جای من اوست که شرم می کند؛

کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار بدی های مرا می پوشاند، گناهان مرا پنهان می دارد، خوبی های مرا آشکار می سازد، چنانکه گویا هرگز نافرمانی او نکرده ام و عصیان او نورزیده ام. من به بهای خشم او، بندگان او را خرسند می سازم، اما او کار مرا به بندگان او نمی گذارد و خود از روی مهربانی و بنده نوازی کارسازیم می کند.

من فرمان او را سبک می شمارم و به گناه و نافرمانی او تن می دهم و آنچه را او نمی پسندد انجام می دهم، اما او نه تنها گناه مرا می پوشاند که بر آنان که مرا به گناه عیب می گیرند و سرزنش می کنند خشم می آورد<sup>(110)</sup>، گناهانم را از پدر و مادرم پنهان می دارد، مبادا بر من تندی کنند و سخت گیرند؛ از دوستان و آشنایان و همسایگان پنهان می دارند، مبادا سرزنش کنند و زبان به بدگویییم گشایند؛ از محتسب و داروغه و پاسبان و پاسدار و قانون و قاضی پنهان می دارد، مبادا دستگیرم کنند به زندانم برند شلاقم زنند و کیفرم دهند...

راستی اگر آنها آنچه را خدا می داند و از آنان پنهان داشته است، می دانستند با من چه ها که نمی کردند؟

خدای من! مولای من! اگر می دانستم که پس از مرگ زنده ام نمی سازی، خود را می کشتم که از رویایی با تو در قیامت سخت شرمسارم و از شرمساری آن روز در برابر تو و گزیدگان تو سخت بیزارم.

مولای من آن چنان از نفس نافرمان خود خشمگین و بیزارم که اگر می توانستم کیفر تو را برتابم و عذاب تو را تاب آورم، هرگز از تو درخواست بخشایش نمی کردم، بلکه از تو می خواستم مرا، مرا که حرمت و حضور تو را پاس نداشتم و مهر و بنده نوازی، و بخشش و بزرگواری تو را با ناسپاسی پاسخ دادم، به پاداش این همه حق ناشناسی و ناسپاسی، سخت کیفر دهی.

مولای من! در کار و بار خود بس اندیشه ها کردم، اما به جایی نرسیدم، برای اصلاح نفس خویش تدبیرها اندیشیدم، اما طرفی برنبستم، برای اخلاص در عبادت کوشش ها کردم، اما توفیق نیافتم و برای دور ماندن از وسوسه های شیطان ترندها نمودم، اما از آنها ایمن نماندم، هرگاه گامی به تو نزدیک شدم، چندین گام مرا از تو دور داشتند، اینک بیچاره و درمانده، دریافته ام که جز با توفیق و یاری تو نمی توان کاری از پیش برد اینک به یقین می دانم که انجام طاعت، پرهیز از معصیت و اخلاق در عبادت هیچ کدام بی توفیق و یاری تو امکان پذیر نیست و ناگزیرم از همه جا رانده، از همه سو امید بریده، درمانده و بیچاره، روسیاه و شرمنده، در حالیکه که به گناهانم به تباهی هایم، به بد کاری هایم، به ناروایی هایم، به یلیدی هایم، به پلشتی هایم، به کثروی هایم و به بیراهی هایم اقرار و اعتراف دارم، به سوی تو رو کرده ام، به رحمت تو چشم دوخته ام و به یقین می دانم که برای رهایی از این گردابی که خود خویش را

بدان در افکنده ام جز رحمت تو هیچ دستاویزی ندارم، تنها تویی که می توانی  
- اگر بر من منت گذاری - از این همه گرفتاری رهایم سازی، از این مرداب  
تعفن بیرونم آوری و کرامت و شرافتم بخشی.

مولای من! اینک من با گناهایی که کرده ام، با وزرهایی که ورزیده ام، با  
ناسپاسی هایی که نموده ام، سخت رسوا و بی آبرو مانده ام، و خود را جز اینکه  
بر من خشم آوردی، به سختی کیفرم دهی و حتی از درگاه خویش برانی، در  
خور هیچ چیزی نمی دانم. مگر اینکه مهربانی تو به فریادم رسد، بنده نوازی تو  
دستم گیرد و بخشایش تو پناهم دهد تا گناهانم ببخشایی، پلیدی هایم بپیرایی،  
از آلودگی ها پاکم سازی بدی هایم را به چندین برابر نیکی برافزایی و با فضل  
خویش از این هاویه به پایگاهی بلند فرایم بری.

مولای من! اگر فضل و کرم تو مرا در خور بخشش و احسان نداند و به دلیل  
ناشایستگی از درگاه تو نومیدم سازد، آیا جز از بزرگواری و بخشندگی تو و جز  
از مهربانی و بنده نوازی تو از راه دیگری می توانم در خوری و شایستگی به  
دست آورم؟

مولای من! اگر گناهانم روسیاهم ساخته و ریزش رحمت تو را بر من جلو  
گرفته، از راه دیگری در می آیم و روسفیدی و آبرومندی گزیدگان و پاکانت را  
شفیع خویش می سازم و تو را بدان عزیزان گزیده سوگند می دهم تا بر من و  
ناسپاسی ها و گناهکاری های من نگیری و مرا از مهربانی و بنده نوازی خویش  
محروم نداری، و آنگونه که ساحران فرعون را به موسی و هارون بخشیدی و  
پذیرفتی: مرا نیز به محمد و آل محمد علیهم السلام ببخشی و بپذیری، که خود آن  
عزیزان معصوم را شرف شفاعت بخشیده ای و آنان را میانجیان میان خود و  
بندگان گناهکارت ساخته ای، پس خدای من! به آبروی آنان من رسوایی بی

آبرو را بپذیر، به اخلاص آنان بی اخلاصی های مرا بر من مگیر، به عبادت و طاعت آنان، گناه و معصیت مرا ببخشا، به نیکویی و پسندیدگی آنان، از سستی ها و تبلی های من چشم ببوش، به پاکی و پیراستگی آنان پلیدی ها و پلشتی های مرا بشوی : و همان گونه که بر من منت نهاده ای و به معرفت و ولایت آنان توفیق بخشیده ای، مرا از شیعیان، دوستداران، پیروان و نزدیکان آنان بشمار، در قیامت با آنان و یاران آنان محشور کن و شرف هم نشینی و همسایگی با آنان را روزیم ساز، به کتابم به دیده قبول بنگر، آن را از من بپذیر و در قیامت به دست راستم ده که من هر چند در نوشتن آن، نتوانسته ام اخلاص و خلوص را چنانکه باید رعایت کنم، اما آن را به دست عزیزان درگاهت و به واسطه گزیدگان معصومت به حضور قداست عرضه می دارم، به خاطر آنان، آن را از من بپذیر و ناخالصی ها و کاستی های آن را بر من مگیر.

مولای من اگر در نوشتن این کتاب به من توفیق بخشیده ای که در اندکی از آن اخلاص را رعایت کرده باشم، همان اندک را به لطف خود بر همه کتاب بگستر، که این شیوه کریمان و بزرگواران است که اگر در کاری و پیشکشی خیری اندک نیز ببینند، همان خیر اندک را بر همه آن گسترش می دهند و همه آن را به دیده قبول می نگرند، تو نیز اگر اندکی و ذره ای خیر و نیکی در این کتاب من هست، با بزرگواری خویش همان اندک را بر همه آن بگستران، به ویژه که من کتابم را به دست برترین بندگانت، عزیزترین آفریدگانت و گرامی ترین گزیدگانت به حضرتت تقدیم می دارم و ناخالصی و تیرگی من هر چه باشد، چیزی نیست که در برابر روشنی و پاکی آنان به دید آید. نیز این شیوه پسندیده توسل که عاصیان را به طفیل مطیعان، ناپاکان را به طفیل پاکان و ناخالصان را به طفیل خالصان بپذیری، پس توسل و شفاعت مرا به عزیزان



درگاهت پذیرا باش و کتابم را که به دست پاک آنان به تو تقدیم داشته ام بپذیر،  
و پاداشم را پیش از آنکه به دیدارت آیم، رضا و خرسندیت و سپس دیدارت،  
دیدارت، دیدارت قرار بده رضاک قبل لقاک ثم لقاک لقاک لقاک  
البته تو پاکتر و بزرگتر از آنی که رضا و خرسندیت به هیچ علتی نیاز داشته  
باشد، چه رسد به من و کتاب من، به بی نیازی خودت آن را بپذیر، و به  
بزرگواری خودت آن را مایه سود مومنان و بهانه بخشش و بخششایش من و  
خوانندگان ساز، آن را از شما نوشته های دوستانه که از روی صدق و خلوص  
نوشته شده اند، به حساب آر که بر آوردن اینها همه، هیچ بر تو سنگین و چیزی  
از ملک و عزت تو نمی کاهد.

خدای من! من خود از خوف و خشیتی که دارم، این کتاب را نه از حسنات و  
نیکی ها که از سیئات و بدی ها می شمارم: اما از بزرگواری تو دور نمی دانم  
که این سیئه را به حسنه بدل کنی و این بدی را با نیکی جایگزین سازی و در  
قیامت آن را به دست راستم دهی، چشمم را بدان روشن داری و دلم را بدان  
شاد سازی تا آن را ببوسم و بر سینه گذارم و بدان انس گیرم و شادمانه بگویم:  
این چیزی است که خدای من و سرورم من از من پذیرفته و بدان به دیده قبول  
نگریسته است و تو را سپاس که مرا چنین به فضل و کرمتم امیدوار ساخته ای،  
که اگر این امیدواری ها نبود، بی گمان نومیدی و بدگمانی کار مرا می ساخت،  
و ترس از کیفر تباهم می کرد پس سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است و  
درود بر محمد و آل علیهم السلام که گزیدگان و عزیزان اویند.

خدایا! ظاهرمان را به عبادتت، باطنمان را به معرفتت، دلمان را به محبتت،  
روحمان را به مشاهدتت و سرمان را به پیوستگی با حضرتت، روشن ساز و بر

محمد و آل علیهم السلام درود بفرست، و به آبروی آنان بی عذاب بخششمان ده، بی حساب بهشتمان ده، بی عتاب عفویمان کن. بی حجاب دیدارت روزیمان کن. (111)

### فصل سوم : نماز شب در اشعار

شب...

ای شب ای تشریف قرآن را سلام	ای ره معراج را اول مقام
ای شب ای آگاه، از راز حرم	با همه شب زنده داران، همقدم
شب، نماز «مصطفی» را دیده است	شب، مناجات «علی» بشنیده است
هست با گوش دل شب، آشنا	صوت زهرا و حسین و مجتبی
دیده شب، دور، از چشم همه	اشک زینب دید و، دفن فاطمه
شب، شنیده نغمه سجاد را	و آن خروش و، ناله و فریاد را
شب، به سجده، گریه باقر بدید	ناله ها در خلوت صادق شنید
شب، درون مجلس هارون گریست	در مناجاتش چو موسی خون گریست
شب، تماشا کرده، در حال دعا	اشک شوق عشق، بر چشم رضا
دیده شب، در سجده گاه ذوالمنن	هم تقی و هم تقی و هم حسن
شب، کنون دارد جلای دیگری	از نماز «حجت بن العسکری»
در دل شب، عاشقان پاکباز	با خدای خویش، در راز و نیاز
با چنین رخشنده گوهرهای شب	من کیم، تا نام رب، آرم به لب (112)

### قم ایها المزمّل (علامه حسن حسن زاده آملی)

شد گاه وصل دلدار، قم ایها المزمّل	آمد زمان دیدار، قم ایها المزمّل
وقت سفر رسیده، یعنی سحر رسیده	بیدار باش، بیدار! قم ایها المزمّل
مستان گریه سر کن غم ازدلت بدرکن	هشیار باش، هشیار! قم ایها المزمّل



این شب و، این رازها و، این سکوت  
 این منم، بیدار، از هول گناه  
 این منم، از راه دور افتاده ای  
 این منم، در دست غفلت ها اسیر  
 گر چه من پا تا به سر، آلوده ام  
 جانم از غم سوزد و، دارم خروش  
 آمدم، با چشم گریان آمدم  
 یا رئوف و، یا رحیم و، یا رفیع  
 ناگهان، آمد به گوش دل ندا  
 «یا عبادی، الذین اسرفوا»  
 با چنین رافت که می خوانی مرا  
 کی شود نومید، از رحمت (حسان)  
 رمز تسبیح خدای لا یموت<sup>(114)</sup>  
 می کنم، بر آسمان شب نگاه  
 رایگان، عمر خود از کف داده ای  
 ای خدای مهربان، دستم بگیر  
 رخ به درگاه تو آخر سوده ام  
 ای خدای رازدار پرده پوش  
 گر گنه کارم، پشیمان آمدم  
 چهارده معصوم را آرم شفیع  
 مژده ای از رحمت بی انتها  
 از نوید رحمتم، «لا تقنطوا»  
 کی خداوندا، بسوزانی مرا  
 تا که دارد چون تو ربی مهربان<sup>(115)</sup>

والسلام

## پی نوشت ها :

- 1- درس اخلاق مقام معظم رهبری، ص 47
- 2- وسائل شیعیه، ج 5، ص 268.
- 3- وسائل الشیعیه، ج 5، ص 268. شرف المومن صلاته باللیل و عزه کفه عن اعراض الناس.
- 4- وسائل الشیعیه، ج 5، ص 268. صلاة اللیل یذهب بما عمل من ذنب بالنهار.
- 5- وسائل الشیعیه، ج 5، ص 271: علیکم بصلاوة اللیل فانها سنة نبیکم و داب الصالحین قبلکم
- 6- سوره مزمل، آیه 6: برنامه عبادی نیمه شب استوارتر، از نظر یکسو بودن گفتار با کردار، پا برجا است.
- 7- مناجات المحبین از مناجات خمس عشرة، مفاتیح الجنان، ص 124.
- 8- سوره الاسراء، آیه 79.
- 9- سوره الزمر، آیه 9.
- 10 سوره ذاریات، آیه 17.
- 11- سوره سجده، آیه 16
- 12- سوره مزمل، آیه 6.
- 13- سوره دهر، آیه 26.
- 14- سوره دهر، آیه 25.
- 15- سوره آل عمران، آیه 17.
- 16- سوره آل عمران، آیه 112.
- 17- سوره فرقان، آیه 64.
- 18- سوره المزمل، آیه 2.
- 19- سوره الفجر، آیه 3.
- 20- وسایل الشیعیه، ج 1، ص 516 / بحار الانوار، ج 87، ص 148.
- 21- بحار الانوار، ج 87، ص 139 / من لایحضره، ج 4، ص 13.
- 22- بحار الانوار، ج 83، ص 126 / ثواب الاعمال، مترجم، ص 97.
- 23- بحار الانوار، ج 87، ص 141.
- 24- شب مردان خدا، ص 24.

- 25- بحار الانوار، ج 78 ص 380.
- 26- تفسير على بن ابراهيم قمى، ج 2، ص 25. شب مردان خدا، ص 24.
- 27- بحار الانوار، ج 87، ص 156.
- 28- ميزان الحكمة، ج 5، ص 418.
- 29- ميزان الحكمة، ج 5، ص 423.
- 30- نور الثقلين، ج 3، ص 263.
- 31- بحار الانوار، ج 8، ص 126.
- 32- سوره سجده، آيه 17.
- 33- بحار الانوار، ج 8، ص 126.
- 34- علل الشرايع، ص 366؛ نور الثقلين، ج 3، ص 204.
- 35- بحار الانوار، ج 74، ص 352.
- 36- خصال، ج 1، ص 116؛ نور الثقلين، ج 3، ص 205.
- 37- ثواب الاعمال، ص 99.
- 38- سفينة البحار، ج 2، ص 80.
- 39- قصار الجمل، ج 1، ص 392.
- 40- ارشاد قلوب، فصل 22؛ المواعظ العددية مشكينية، ص 72.
- 41- ثواب الاعمال، ص 96.
- 42- ثواب الاعمال، ص 99.
- 43- بحار الانوار، ج 87، ص 154.
- 44- المواعظ العددية مشكينية، ص 258.
- 45- اصول كافي، ج 4 ص 234.
- 46- بحار الانوار، ج 78 ص 139.
- 47- رساله لقاء الله، ص 171، بحار الانوار، ج 87، ص 158، حديث 46.
- 48- بحار الانوار، ج 87، ص 137 / شب مردان خدا، ص 22 / نماز، نیاز عاشقان، ص 87.
- 49- اسرار الصلوة، حاج ميرزا جواد ملكى تبريزى، ص 455.
- 50- بحار الانوار، ج 87، ص 167، قسمت آخر حديث 9 / شب مردان خدا، ص 93.
- 51- اسرار الصلوة، حاج ميرزا جواد ملكى تبريزى، ص 454.
- 52- شمع سحر، ص 29.

- 53- توحید صدوق ص 97.
- 54- تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج 4.
- 55- اسرار الصلوة، حاج میرزا جواد ملکی تبریزی، ص 158.
- 56- آداب تلاوت قرآن، ص 72.
- 57- سوره مائده، آیه 35.
- 58- من لا یحضره الفقیه ج 1، ص 483.
- 59- نماز، نیاز عاشقان، ص 119.
- 60- مجموعه فرمایشات حضرت بقیة الله، ص 76.
- 61- فرازی از توقیع امام زمان (عج)، کلمة المهدی، ص 143.
- 62- نماز عاشقان، ص 96.
- 63- سوره آل عمران، آیات 192 و 193.
- 64- سوز سحر گاهی، ص 41.
- 65- سوره آل عمران، آیه 190 و 191.
- 66- شب مردان خدا، ص 56.
- 67- اسرار الصلوة، ص 214 / داستان ها و حکایت های نماز، ج 1، ص 15.
- 68- منتهی الامال، ج 1، ص 97 / داستانها و حکایتهای نماز، ج 1، ص 17.
- 69- زینب الکبری (علیها السلام)، ص 82 / داستان نماز عارفان، ص 44.
- 70- بحار، ج 11، ص 23. داستان های نماز، ص 47.
- 71- مجموعه ورام ج 1، ص 517. شب مردان خدا ص 60.
- 72- منتهی الامال، ج 2، ص 985.
- 73- منتهی الامال، ج 2، ص 1001.
- 74- داستان جوانان، ص 36 / مرآة العقول : ج 2، ص 77.
- آورده اند: اویس قرن، مردی عارف بود که در سیر و سلوک معنوی و طاعت حضرت حق به مقامی والا رسید.
- اویس بعضی شبها را به حالت عبادت در رکوع به صبح می رساند و برخی شبها را در حال سجده به پایان می برد.
- اویس می فرمود: ای کاش از ازل تا ابد یک شب بود و من آن شب را به رکوع یا سجده به سر می بردم.

- اویس چون از خود فانی گشته بود      آن زمینی آسمانی گشته بود
- 75- قصص العلماء، ص 173 / سوز سحرگاهی، ص 31.
- 76- قصص العلماء، ص 193/نماز، نیاز عاشقان، ص 113.
- 77- قصص العلماء ص 19/نماز نیاز عاشقان، ص 121.
- 78- سوره سجده، آیه 17: «احدی نمی داند که به پاداش عملشان چه چشم روشنی ها برای آنان، ذخیره گردیده است».
- 79- سوره یس آیات 70 و 69: «قرآن، چیزی جز یادآوری روشن نیست ؛ تا کسی که را که زنده است، هشدار دهد»
- 80- سوره فاطر، آیه 22: «تو (ای پیامبر) به مردگان گورستان نمی توانی چیزی بشنوانی»
- 81- شب مردان خدا، ص 44.
- 82- قصص العلماء ص 123. سوز سحرگاهی، ص 28.
- 83- قصص العلماء، ص 137. سوز سحرگاهی ص 29.
- 84- مراد فرزند ایشان است که بعدها معروف شد به علامه مجلسی که یکی از بزرگترین مفاخر شیعه محسوب می گردد.
- 85- وحید بهبهانی، ص 100. نماز، نیاز عاشقان، ص 114.
- 86- کشکول ممتاز، ص 580.
- 87- سوز سحرگاهی، ص 29.
- 88- قصص العلماء ص 73. نماز عاشقان، ص 117.
- در حالات بعضی بزرگان نقل می کنند که فرمودند: «شبها ملائکه مرا برای نافله شب بیدارم می کردند ولی گاهی صدا می زدند: آقا پاشو، بعضی سحرها می گفتند: آشیخ پاشو، بعضی سحرها می گفتند: ا، پاشو، وقتی دقت کردم دیدم اعمالی که در روز انجام می دهم در صدا زدن شبم تاءثیر دارد، روزهایی که خیلی مراقبم، شب ها آقا می خوانند، روزهایی که کمی نقصان هست آشیخ صدایم می زنند و روزهایی که خطایی دارم، با لفظ ا، ا، ندایم می دهند.
- 89- داستانها و حکایت های نماز، ج 2، ص 28.
- 90- داستانهای نماز، ص 79.
- 91- قیامت و قرآن، ص 253، شهید محراب آیت الله دستغیب.
- 92- نشان از بی نشان ها، ص 85.



- علامه امینی صاحب الغدیر یک ماه در مشهد بود، شبی هزار رکعت نماز می خواند آن وقت گفتند؛ آقا شما از خواندن هزار رکعت نماز خسته نمی شوید؟
- جواب فرمودند. ماهی از شنا خسته نمی شود.
- 93- داستان ها و حکایتهای نماز، ج 2 ص 50.
- 94- رساله لقاء الله، ص 130.
- 95- قصص العلماء ص 123/ نماز، نیاز عاشقان، ص 114.
- 96- رساله لقاء الله ص 128.
- 97- رساله لقا الله، پیش گفتار، ص ه
- 98- مجله حوزه، شماره دوازده، سال دوم، ص 24.
- 99- حبیب و محبوب، ص 32.
- 100- سیاحت شرق، ص 198.
- 101- حاج شیخ عباس قمی مرد تقوی و فضیلت / حبیب و محبوب، ص 45.
- 102- سرگذشت های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی (ره)، ج 1، ص 91.
- 103- سرگذشت های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی (ره)، ج 2، ص 51.
- 104- یادنامه شهید قدوسی، ص 76.
- 105- سرگذشت های ویژه از زندگی شهید مطهری، ج 1، ص 88.
- 106- یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، ج 1، ص 173.
- فرزند استاد شهید مرتضی مطهری ضمن تشریح وقایع شهادت استاد، چنین می گوید:
- «آن شبی که خبر ترور پدرم را شنیدم همگی تا صبح بیدار بودیم، ساعت دو و نیم بعد از نیمه شب بود که زنگ ساعتی که ایشان را مطابق معمول برای نماز شب بیدار می کرد به صدا در آمد ولی دیگر او در قید حیات نبود، او نماز شبش را در میان خون مطهرش، زودتر از موعد نماز شب در تاریکی خیابان خوانده بود.»
- 107- حق و باطل، ص 170.
- 108- دیداری از جبهه عشق و خون. ص 62. داستان های نماز، ص 115
- 109- دیداری از جبهه عشق و خون، ص 62/داستانهای نماز، ص 118.
- 110- اشاره به روایاتی که ما را از سرزنش گناهکاران به سختی بازداشته و آن را سبب خشم خدا دانسته اند.

- 111- سلوک عارفانه، ترجمه : المراقبات فی اعمال السنه، تالیف عارف کامل مرحوم حاج میرزا جواد ملکی تبریزی، ترجمه : سید محمد راستگو، ص 479.
- 112- خلوتگاه راز، ص 9 حبیب الله چایچیان (حسان)
- 113- ساقه های سبز قنوت، ص 122.
- 114- خلوتگاه راز، ص 8
- 115- خلوتگاه راز، ص 9

## فهرست مطالب

2	تقدیم به محضر مقدس.....
3	نماز شب در کلام مقام معظم رهبری.....
4	مقدمه حضرت آیه الله جعفر سبحانی دام عزه.....
7	مقدمه.....
9	بخش اول : در فضیلت، احکام و آداب نماز شب.....
9	فصل اول : نماز شب از دیدگاه قرآن.....
11	فصل دوم : نماز شب در احادیث معصومین <small>علیهم السلام</small> .....
11	الف : اهمیت نماز شب.....
15	ب : آثار و فواید نماز شب.....
18	ج : فواید دیگر نماز شب.....
23	فصل سوم : احکام و آداب نماز شب.....
25	کیفیت خواندن نماز شب.....
26	علت محرومیت از شب زنده داری.....
30	نماز شب برای فرج امام زمان (عج).....
32	بخش دوم.....
32	فصل اول : چهل داستان در اهمیت نماز شب.....
32	1- نماز و شکرگزاری پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> .....
33	2- علی <small>علیه السلام</small> و عبادت های نیمه شب.....
35	3- علت گریه حضرت علی <small>علیه السلام</small> .....
36	4- نماز شب حضرت زهرا ( <small>علیها السلام</small> ).....

- 5- نماز شب حضرت زینب (علیها السلام) ..... 37
- 6- امام سجاد (علیه السلام) و عبادت علی (علیه السلام) ..... 37
- 7- مناجات های امام صادق (علیه السلام) ..... 38
- 8- امام هادی (علیه السلام) و نماز شب ..... 38
- 9- جوانی که با نماز قلبش منور بود ..... 38
- 10- در حالات علامه بحر العلوم رحمة الله ..... 39
- 11- شیخ جعفر کاشف الغطاء مرد دعا و نیایش ..... 40
- 12- نماز شب در همه جا و همه وقت ..... 41
- 13- در حالات مرحوم کاشف الغطاء ..... 41
- 14- در حالات عالم بزرگوار حجة الاسلام شفتی ..... 43
- 15- شب های پرشور حجة الاسلام شفتی ..... 43
- 16- دعای پدری بزرگ در حق پسر به هنگام سحر ..... 44
- 17- قافله سحرخیزان ..... 44
- 18- تسبیح در و دیوار همراه با عارف وارسته ملا محمد کاشی ..... 45
- 19- میرزا سلیمان تنکابنی ..... 45
- 20- عبادت تا به چه حد می رسد ..... 46
- 21- نمازهای ملا هادی سبزواری ..... 46
- 22- مقامات مقدس اردبیلی از برکت نماز شب ..... 47
- 23- در حالات حاج شیخ حسنعلی اصفهانی رحمة الله (معروف به نخودکی) ..... 48
- 24- مادر آیت الله میرزا مهدی شیرازی رحمة الله ..... 49
- 25- نماز شب و نورافشانی خانه ها ..... 49
- 26- در حالات ملا محمد اشرفی ..... 49
- 27- مرحوم ملکی تبریزی و نماز شب ..... 50
- 28- در نماز شب مومنین را دعا کنید ..... 50
- 29- در حالات آقا نورالدین عراقی ..... 51
- 30- خاطره ای از علامه طباطبایی رحمة الله ..... 51

- 31- نماز شب آقا نجفی قوچانی رحمة الله ..... 52
- 32- محدث قمی (شیخ عباس قمی)..... 53
- 33- آه و ناله امام در دل شب..... 54
- 34- نماز شب امام علیه السلام هرگز ترک نشد..... 54
- 35- شهید قدوسی رحمة الله و نماز شب ..... 55
- 36- نماز شب شهید مطهری رحمة الله در منزل رهبر انقلاب ..... 55
- 37- استاد شهید رحمة الله و شب زنده داری..... 56
- 38- در حالات پدر استاد مطهری رحمة الله ..... 57
- 39- نماز شب در شب عملیات..... 58
- 40- مناجات با معبود در اسارتگاه..... 58
- فصل دوم : نیایش نامه ..... 59
- فصل سوم : نماز شب در اشعار..... 66
- شب..... 66
- قم ایها المزمّل (علامه حسن حسن زاده آملی)..... 66
- پی نوشت ها :..... 69
- فهرست مطالب ..... 75